

فیلمنامه چهارشنبه‌ها در کافه

هفتمین جشنواره مردمی فیلم عمار
نشریه روزانه هفتمین جشنواره مردمی فیلم عمار
شماره هفتم - پانزدهم دی ماه ۱۳۹۵ - تهران



لذت باز خورد اکران روستایی

روایت دکتر کاظمی آشتیانی در «داستان آینده»

انقلاب، از درون به نقد جدی نیاز دارد

۲۹۰ مستند برای شهدای ایرباس

گزارش تصویری روز هفتم



فیلم
رنگین کمان

۲

عکس



رحیم پور ازغدی:

قهرمان سازی احمقانه در فیلم های مذهبی افراطی

رحیم پور ازغدی در پاسخ به این سوال که آیا هنر قهرمان محور با هنر توحیدی منافات دارد؟ گفت: در گذشته عده ای درباره وجود قهرمان دو اظهار نظر داشتند برخی می گفتند بیچاره ملتی که احتیاج به قهرمان دارد!.. عده ای دیگر هم می گفتند بیچاره ملتی که قهرمان دارد! به نظر من هر دو نظری می تواند درست باشد اگر در جای درست استفاده شود چرا که ملتی که قهرمان ندارد هیچ الگویی هم ندارد پس اعتماد سازی هم نمی تواند در این جا صورت بگیرد و همه راه ها برایش مساوی است ، همچنین با قهرمان سازی یا قهرمان تراشی از کسانی که قهرمان نیستند نوعی سراب برای فریب جامعه ساخته می شود تا سراب را با آب اشتباه بگیرد در حقیقت در این جامعه قهرمان سازی بهانه ای است برای گریز از مسولیت و از آن برای تزیین آرایش به وجدان نداشته اش استفاده می کند ملتی که خودش قهرمان نیست و نمی خواهد هم باشد . وی ادامه داد: به نظر شما قهرمان کیست؟ در قهرمان شناسی ما به دنبال الگویی هستیم تا جهت شناسی صورت بگیرد و در مقابل آن قهرمان تراشی را داریم که اصطلاحاً نوعی قالب کردن بدل به جای اصل به مخاطبین و جامعه است، بخشی از مفهوم قهرمان برمی گردد به مفهوم اسطوره و اسطوره سازی که اتفاقاً مقالات خوبی هم راجع به اسطوره سازی در سینما نوشته شده است . رحیم پور افزود: در عصر حاضر قهرمان ها نه در هنر و نه در جامعه حذف نشده اند بلکه با موضوع جابه جایی قهرمان ها رویه رو هستیم این را در سینمای امروزه غرب بیشتر مشاهده میکنیم چرا که قهرمان فیلم ها و داستان هایشان در حقیقت ضد قهرمان ها هستند زمانی قهرمان ها چه در داخل کشور خودمان با داستان هایی مثل رستم و سهراب نماد هایی از منش پهلوانی بودند چه در سینمای شرق و غرب هر چند ما مفهوم اسطوره را چه در دوران باستان و چه در صد ساله اخیر آمیخته با شرک و تفکرات الحادی می دانیم ، امروزه ستاره های فیلم های مبتذل و ستاره های موسیقی و حتی بازیکنان فوتبال به عنوان قهرمان به مردم معرفی می شوند کسانی که تعداد زیادیشان حتی زندگی واقعیشان با تصاویر روزنامه ها و رسانه ها بسیار متفاوت است، در حقیقت باید بگوییم بشر به قهرمان نیاز دارد و اگر قهرمان های واقعی بوجود نیایند و به مردم معرفی نشوند ضد قهرمان های بی ارزش خیلی زود جای آن را می گیرند.

وی ادامه داد: هر انسانی در زندگی هدفی دارد وقتی صحبت از هدف می شود پای جهت به میان می آید و وقتی جهت باشد یعنی مسیری وجود دارد که باید طی شود و فرد برای طی کردن این مسیر به قهرمان نیاز دارد چرا که از امتحان کردن مسیری که کسی آن را فتح نکرده است اغلب ترس در بین افراد وجود دارد و بیشتر مردم از آغاز مسیر منصرف می شوند.

رحیم پور تصریح کرد: اگر مفهوم قهرمان سازی در قهرمان متوقف شود این مساله ضرر شد و تکامل است، خداوند عقل و وجود پیامبران را به عنوان معیار قهرمان سازی را به ما عطا کرده است تا بتوانیم قهرمان هایی درست بسازیم آنچه که امروزه مادر سینمای غرب و شرق می بینم به خاطر این است که معیار های قهرمان سازی شان شرک آمیز است در حقیقت آن ها ضد ارزش ها را به جای ارزش ها به باور مخاطب تلقین کرده اند

وی گفت: همه شما برای لحظاتی هم که شده قهرمان یا ضد قهرمان داستان زندگی واقعی خودتان بوده اید هر جا که عدالتی را به ظلم نفروخته اید شما یک قهرمان بوده اید چرا که صفات و ارزش های خوب و اخلاقی را حفظ کرده اید و در مقابل هر جا در برابر ظلمی سکوت کردید شما یک ضد قهرمان هستید که ارزش هایش را باخته است.

وی با انتقاد از سینمای مذهبی داخل کشور هم گفت: متأسفانه در برخی از فیلم هایی که در تلویزیون نمایش داده می شود قصه آدم مذهبی ها فقط حول نشان دادن دیگ نذری یا حسینیه رقم می خورد این خوب است اما زیاده روی در آن هم به باور مخاطب لطمه میزند ، فیلم سازان ما باید از این مهم غافل نشوند که مذهب در حقیقت سبک زندگی است و یک انسان مومن زندگی و منش اش در بازار و حتی در لحظه های کارگری هم نشانه از باور و عقیده اش است که باید به این زوایای زندگی افراد مذهبی هم پرداخته شود قهرمان در اوصاف الهی و اسلامی این است که به مخاطب پیامی از این راه را رفته ام تو هم می توانی بیایی.



نقیبان در کارگاه «یک روز یک تجربه»:

برای مستند آرشیوی باید جهاد کرد

«مهدی نقویان» در کارگاه تخصصی با عنوان «آرشیو در مستند» گفت: اقدامی که یک مستندساز را در ساخت مستند جلو می اندازد استفاده مناسب از تصاویر آرشیوی است که او را در راه هر چه بهتر تولید کردن کار کمک می کند؛ بر این اساس یک مستندساز نباید از بحث آرشیو و استفاده از تصاویر آرشیوی سرسری عبور کند . وی رسیدن به لایه های پنهان روایت در ساخت یک مستند خوب را لازم دانست و افزود: ما مستندسازان باید از لایه های ظاهری روایت داستان عبور کرده و برای جذاب تر شدن کار به لایه های پنهان روایت دست پیدا کنیم.

این مستندساز استفاده از تصاویر آرشیوی کمتر دیده شده در ساخت مستند را بسیار مهم عنوان کرد و ادامه داد: اگر بخواهیم به میزان اهمیت بحث آرشیو اشاره کنیم باید پیرامون موضوع و بحث استفاده از آرشیو در ساخت فیلم مستند در این ۳۰ الی ۴۰ سال اخیر و غفلت های فراوانی صحبت کنیم.

این مستندساز به سریال «معمای شاه» اشاره کرد و یاد آور شد: اگر بخواهیم برای این موضوع مثالی بیاوریم باید به سریال فاخر و ارزشی معمای شاه اشاره کنیم؛ این سریال به لحاظ اصول حرفه ای و کارگردانی بسیار عالی بوده منتهی دارای روایت و داستان شعاری است و اینگونه شده که چپ و راست در برابر آن جبهه گرفته اند.

نقیبان پیرامون دلایل جبهه گیری در برابر سریال «معمای شاه» متذکر شد: دلیل اصلی جبهه گیری هایی که در برابر این سریال صورت پذیرفته این است که ما در سریال معمای شاه با یک روایت داستان یک طرفه ای روبرو هستیم؛ با اینکه در این سریال از تصاویر آرشیوی بسیار زیادی استفاده شده ولی به دلیل اینکه روایت داستان یک طرفه است شاهد جبهه گیری هایی در مقابل ساخت و پخش آن هستیم.

وی دسترسی مستندسازان به آرشیوهای تصاویر را بسیار سخت دانست و تصریح کرد: من هم همانند شما مستندساز هستم و به خوبی می دانم که دسترسی به آرشیو های تصاویر خصوصاً در حوزه های انقلاب و دفاع مقدس بسیار سخت و دشوار است اما این موضوع نباید به عنوان سدی در برابر شما برای فیلم سازی باشد.

این مستندساز از فیلم سازان خواست تا به صورت جهادی وارد عرصه فیلم سازی شوند و گفت: اگر بخواهیم به امید نهاد های دولتی منتظر بمانیم و فیلم بسازیم باید بسیار لاک پشتی حرکت کنیم.

نقیبان با اشاره به اینکه بعد از پیروی انقلاب استفاده از تصاویر آرشیوی کنار گذاشته شده افزود: در سال های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا امروز بحث استفاده از آرشیوهای تصاویر برای مستندسازی به صورت ۱۰۰ درصدی کنار گذاشته شده است و شاهد هستیم که تمامی آن تصاویر دوران دسترس همه نگهداری می شود.

وی پیرامون مستندی که در مورد رضا شاه دیده بود توضیح داد: چند وقت قبل یک مستندی را در مورد رضا شاه دیدم که توسط آن طرفی ها ساخته و پخش شده بود؛ آنها در این مستند شاه را فردی دموکراتیک معرفی کرده بودند اما به دلیل اینکه ما نمی توانیم از تصاویر آرشیوی که نیاز داریم برای ساخت مستندهایی در برابر آن فیلم استفاده کنیم این فرصت را نداریم تا با ساخت فیلمی جواب آن را داده و نیازهای تاریخی مردم را برطرف کنیم.

وی لزوم استفاده فیلم سازان از روایت های جذاب را مهم دانست و یاد آور شد: یک فیلم ساز باید همیشه روایت های جذاب را برای ساخت فیلم و یا مستند خود انتخاب کند؛ من نیز به همین صورت عمل کردم و سعی کردم تا از روایت های جذاب و تازه در ساخت فیلم های خود استفاده کنم. در حقیقت یک فیلم ساز قبل از اینکه به سمت منابع تصویری برای ساخت کار خود برود باید متن خود را نوشته و آن را آماده کند.

امین زاده از آثار انیمیشن خود می گوید

لذت بازخورد اکران روستایی

در میان بچه های روستاها به گوشم رسید را با هیچ چیز عوض نمی کنم.

و در ادوار جشنواره عمار

۲ فانوس بلورین این جشنواره عمار را انیمیشن های آتو و گزینه های روی میز دریافت کرده ایم. جشنواره عمار پدیده ای جدید و مورد نیاز جریان سینمایی کشور است که به دلیل سبک و سیاقی که در پیش گرفته به مذاق بسیاری از مردم خوش آمده است.

اگر جشنواره عمار دچار لغزش های دیگر جشنواره ها نشود، می توانیم آینده ای بسیار درخشان برای آن تصور کنیم، برای همین فیلمسازان عمار نیز نباید، همانند دیگر جشنواره ها به سمت ساخت آثار جشنواره ای بروند، بلکه باید مردم را برای فیلمسازی در نظر بگیرند.

تا قبل از جشنواره عمار، تولیدات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی در عرصه جشنواره ای کشور محجور بود که با رویش این جشنواره، تولید این بچه ها نیز صاحب تربیون شد.

فیلمسازان باید به سمت ساخت سوژه هایی از قلب اجتماع بروند و موضوعاتی را دستمایه تولید قرار دهند که دغدغه جامعه باشد، چرا که هیچ کس مشکلات موجود در جامعه را منکر نمی شود، اما حجم سیاهی هایی که در فیلم های سینمای ایران نشان داده می شود به نسبت جامعه بسیار زیادتر است.

«بیشه» در جنگل و میان ۲ خانواده روباه و خرگوش می گذرد.

سفارش دهنده کار، به دنبال اثری با هدف نمایش معضلات ماهواره بود و در جلسات هم اندیشی به این ایده رسیدیم که جنگلی را به نمایش بگذاریم تا بتوانیم دیگر معضلات اجتماعی را در قسمت های بعد نشان دهیم.

مراحل ساخت اثر پویانمایی «بیشه»

پس از شکل گیری داستان، تیم تولید وارد فضای طراحی تولید کاراکترها و لوکیشن ها و پس از آن وارد بخش متحرک سازی شخصیت ها شد و سپس بقیه کارهای ساخت انیمیشن را پیش بردیم و در نهایت مرحله دوبله و صداگذاری را به انجام رساندیم. در حال حاضر در حال ساخت انیمیشن سینمایی هستیم و همکاران بنده در مؤسسه فرهنگی فراسو حدود ۳ ماه است که وارد مرحله تولید این انیمیشن شده اند.

جشنواره عمار

ما از دومین دوره برگزاری جشنواره عمار به دلیل همسویی اهداف جشنواره با اهداف مؤسسه فراسو، با اثر «آتو» در این جشنواره حضور داشته ایم. جذابیت اصلی شرکت در جشنواره عمار، اکران های مردمی عمار و دیده شدن آثار در نقاط مختلف کشور است و لذتی که از بازخورد اکران های انیمیشن آتو

فرهاد امین زاده، تهیه کننده اثر پویانمایی «بیشه» و از اعضای مؤسسه فرهنگی، هنری «فراسوی ابعاد»، درباره تاریخچه شکل گیری این گروه گفت: مجموعه فراسوی ابعاد از سال ۸۴ با نام خانه انیمیشن در مسجد الرضا (ع) کرمان شروع به فعالیت کرد و مبنای کار ما ایجاد یک پاتوق برای علاقه مندان به عرصه انیمیشن بود.

این خانه انیمیشن پس از گذر از سال ۸۸ اقدام به تأسیس شرکتی با نام فراسوی ابعاد کرد و فعالیت های خود را به صورت جدی پیگیری کرد و بچه های حماسه، سربازان بین المللی یا آتو، گزینه های روی میز، جایزه های ایرانی اوباما از جمله کارهای گروه ماست که چندین بار از شبکه های مختلف سیما پخش شد.

موضوع انیمیشن «بیشه»

شرکت ما در سال ۹۴ به مؤسسه فرهنگی هنری تبدیل شد و امسال با اثر «بیشه» در هفتمین جشنواره مردمی عمار شرکت کرده است. این اثر پویانمایی با موضوع سبک زندگی ایرانی، اسلامی و با گروه هدف مخاطب کودک و نوجوان ساخته شده و در ابتدا می خواستیم موضوع این انیمیشن را ماهواره و معضلات و آسیب های آن قرار دهیم، اما در ادامه به این نتیجه رسیدیم که شخصیت ها به گونه ای طراحی شود که بشود در ادامه کار به دیگر آسیب های اجتماعی پرداخت و بر این اساس، بستر روایی انیمیشن



ع

گفت و گو





پویانمایی «بیشه»؛ فضا سازی خوب، ضعف در کاراکتر

سمانه غلامی

در فیلم نامه داستان نکته اصلی، سردرگمی در انتخاب مخاطب است. انیمیشن و فیلم نامه آن نتوانسته مخاطب خود را شناسایی کند و با توجه به آن شخصیت پردازی و روایت گری کند. در شروع کار انیمیشن با ویژگی های بصری و فضا سازی جذاب برای کودکان طراحی شده اما در میانه کار و ادامه داستان مفاهیم و تکه کلام هایی که مورد استفاده ی شخصیت های داستان قرار می گیرد برای کودک غیر قابل فهم و هضم است. این نکته درستی است که انیمیشن باید طیف گسترده ای از مخاطبان را جذب کند اما نباید فضای داستان درهم و غیر منسجم باشد. مخاطب کودک باید از ابتدا تا انتها ادبیات و فضای داستان را درک و با آن همراهی کند. این عدم انسجام تاحدی در فضا سازی نیز دیده می شود آنجا که تلاش شده فضا و موسیقی کار ایرانی باشد و اتفاقاً این مسأله جز نقاط عطف این انیمیشن و حرکتی ستودنی به حساب می آید؛ اما باز آن را اسیر شاخصه های فرهنگ غربی می بینیم و به طور کامل فضای ایرانی را به ذهن متبادر نمی کند.

انیمیشن بیشه در نوع خود اثری آسیب شناسانه، آموزشی و جذاب می باشد، اما توجه بیشتر به اصول استاندارد در شخصیت پردازی و داستان پردازی انیمیشن، کیفیت اثر را به حد مطلوب خود نزدیک می کند و به انتقال بهتر پیام داستان نیز کمک می کند.

و روی یکایک خصوصیات آنها، چه ظاهری و چه باطنی (مانند: احساس، طرز فکر، و...) فکر شده باشد. گرچه در این انیمیشن تا حدی به این نکته توجه شده است اما کم رنگ و کم مایه است... مهم ترین و عمده ترین شاخصه یی که سبب بروز ایجاد در انیمیشن می شود، طراحی شخصیت است؛ ویژگی های شخصیتی باید در آناتومی بدن کاراکتر مشخص باشد حتی به شکل اغراق شده! نکته ای که در اغلب انیمیشن های ایرانی و نیز این انیمیشن مغفول مانده است.

به عنوان مثال کاراکتر پنبه چه ویژگی ظاهری دارد که در نگاه اول او را دختری پر زرق و برق و ظاهر گرا و متفاوت از خواهران و برادران خود بدانیم؟! نکته بعد آنکه اگر حیوانی قهرمان داستان است، حتماً تعمدی در قهرمان بودن آن وجود دارد، پس نیاز به حفظ خصوصیات حیوانی با توجه به فیزیک اغراق شده ی بدنش هست. در این جا تفکر و تکلم حیوان قاعدتاً می بایست سمت و سوی انسانی پیدا کند، اما با همی این اوصاف، حیوان دنیا را به گونه ای مخصوص به خود می بیند؛ عملکردها، واکنش ها و نوع تکلمش بر مبنای جهان بینی خاص خودش بوده که قادر به پیشبرد ماجرای داستان است. در انیمیشن «بیشه» خیلی کم رنگ به این نکته توجه شده است. و گویا تنها انسان هایی با چهره حیوانی به تصویر کشیده شده اند.

داستان بیشه بر تأثیر شبکه های ماهواره ای روی سبک زندگی خانواده ها، متمرکز است، موضوعی که تبدیل به یکی از دغدغه های فرهنگی امروز کشور شده. این انیمیشن به دنبال نشان دادن بخشی از آسیب هایی است که به وسیله این شبکه ها متوجه خانواده می شود و از این جهت اثری قابل توجه و تحسین است.

برخورداری از تکنیک قابل قبول در مقایسه با انیمیشن های مشابه داخلی بر جذابیت کار افزوده است. صداگذاری، دوبله، لیبیسینگ و فضا سازی، استفاده از رنگ و جذابیت بصری و طنزهای دلنشین در فیلم نامه از نقاط قوت این اثر به شمار می آید. اما نقاط ضعفی نیز اثر را از رسیدن به نقطه مطلوب باز داشته است. نکته اول درباره کاراکترهای این داستان است.

در انیمیشن کاراکتر باید به یاد ماندنی باشد، یعنی باید از لحاظ بصری جذاب باشد و بتواند بیننده را از لحاظ احساسی و دراماتیک در حادثه های داستان به جلو هدایت کند. اما در طراحی کاراکترهای این انیمیشن، نکته جدید و منحصر به فردی غیر از آنچه در نمونه های دیگر دیده شده به چشم نمی خورد. این جذابیت باید در شخصیت کاراکتر نیز باشد، تا بیننده آن را شخصیتی قوی، قابل باور و جذاب بداند. کاراکترهای اصلی باید به صورت کامل تشریح شوند، تا بیننده آنها را بپذیرد، یعنی دارای پس زمینه بوده



«راز مزار» از تخریب مزار

انقلاب، از درون به نقد جدی نیاز دارد

دومین ویژگی عمار این است که مانند پاتوق‌های موجود در دهه ۶۰ به محفلی برای انقلابی‌ها تبدیل شده که می‌تواند ظرفیت‌های بالقوه را با به بالفعل تبدیل کند.

یکی از اساسی‌ترین مباحث جشنواره عمار، نقد درون‌گفتمانی است. انقلاب شدیداً به این نیاز دارد که از درون نقد شود قبل از اینکه غریبه‌ها با سیاه‌نمایی این کار را انجام دهند، اگرچه آثار بسیاری با این مضمون انجام شده ولی کافی نیست. جشنواره عمار ظرفیت‌های زیادی را فعال کرد که در اگر در آینده مابقی ظرفیت‌ها را هم فعال و تعداد اکران‌هایش را بیشتر کند می‌تواند آینده خوبی در پیش رو داشته باشد.

مشکل سینمای ایران

در بخش تاریخ انقلاب سوزهای زیادی داریم که مستند سازهای ما می‌توانند درباره آنها مستند تهیه کنند به طور مثال درگوشه و کنار شهر بسیاری از گروه‌های فرهنگی، هنری و انقلابی وجود داشته است که نیاز است در موردشان هم کار تصویری و هم مکتوب انجام شود. مهم‌ترین مشکل سینمای ایران این است که از توده مردم و کف جامعه فاصله گرفته و دغدغه‌های مردم را بیگیری نمی‌کند که می‌شود این را از نوع تولیدات، در جشنواره‌های مختلف ارزیابی کرد.

سنگ نوشته‌ها، فضای سبز، پرچم‌ها و دیگر نشانه‌ها متجلی می‌شود و این‌ها نمادی از فرهنگ انقلاب است. تخریب مزار شهدا به بهانه یکسان‌سازی، آسیب و خسران زیادی برای فرهنگ انقلاب دارد و نباید اجازه چنین کاری به آنها داده شود.

روند ساخت مستند

وقتی از پروژه تخریب مطلع شدیم به تحقیق و پژوهش و تهیه آرشیو شامل عکس و فیلم قبل از تخریب و بعد از تخریب قبور پرداختیم که اینها برای ساخت این مستند بسیار به کارمان آمد. مشکلی که در ساخت این مستند برای ما پیش آمد این بود که اجازه تصویربرداری از گلزار شهدای فعلی را نمی‌دادند و به شدت مراقب بودند.

مبادا تصویر گرفته بشود و یا انتقادی صورت بگیرد که در این راستا ما از آنها برای مناظره دعوت کردیم ولی حضور پیدا نکردند.

جشنواره عمار

جشنواره عمار دو شاخصه اصلی دارد؛ یکی همان شعار بچه‌های داراب است که گفتند «فیلم‌ها به دیدن شما می‌آیند» این ویژگی اصلی جشنواره عمار است که تولید واقعی شکل گرفته و مستند به سفارش مردم انجام می‌شود.

«نوید ناصر» کارگردان مستند «راز مزار» در گفتگویی درباره آشنایی خود با کار هنری گفت: بنده در دفتر مطالعات جبهه فرهنگی، شعبه تربیت شاغل هستم و قبلاً در کارهای آنها مشارکت داشتم که مستند «دادخواست» با موضوع شخصیت اسفندیار قره باغی و مستند «مانند ریشه» به کارگردانی «روح‌الله رشیدی» از این دست مستندها است که بنده به عنوان عوامل اجرایی در آن‌ها حاضر بودم.

موضوع مستند «راز مزار»

«راز مزار» اولین مستندی بود که کارگردانی کردم و موضوع آن انتقاد به یکسان‌سازی و تخریب مزار شهدا به بهانه بازسازی است. البته کار دیگری با موضوع مادران شهید هم در دست تدوین دارم که به این دوره جشنواره عمار نمی‌رسد.

آشنایی بنده با این موضوع به سال ۸۹ برمی‌گردد که این پروژه را شروع کردند و ما در قالب‌های مختلف به اعتراض پرداختیم و دست آخر هم تصمیم به ساخت مستندی با این موضوع گرفتیم تا شاید بتوانیم جلوی این خسارت فرهنگی را بگیریم.

گلزار شهدا با بافت سنتی و تاریخی خودش از تفکر انقلابی خانواده شهدا نشأت گرفته که در حمله‌ها،

حیبی از استاد بزرگ می گوید

روایت دکتر کاظمی آشتیانی در «داستان آینده»

را در این مستند کار کنیم ولی تصمیم داریم در کار بهتری ظرفیت‌های شخصی این فرد را نشان دهیم.

■ جشنواره عمار

جشنواره عمار به محیطی برای فیلم‌سازی که دغدغه انقلاب اسلامی و مسائل مربوط به آن را دارند تبدیل شده است که ما هم به دلیل تعلق خاطرمان به این جبهه به سمت عمار کشیده شدیم.

عمار به ویتترین کارهای انقلابی تبدیل شده و افرادی که می‌خواهند در فضای انقلابی کار کنند را به سمت خود جذب می‌کند که این اتفاق در سال‌های اخیر به واسطه تخصصی‌تر شدن عمار نمود بیشتری یافته است.

ممکن است در آینده برای جشنواره عمار اتفاقات خوب یا بدی رقم بخورد که این به سیاست‌گذاری‌ها، جهت حرکت، شکل اجرا و قدرتش برمی‌گردد.

این جشنواره تا وقتی که بتواند خودش را برای مخاطب به روز نگه دارد و جذابیت خودش را حفظ کند راهش ادامه پیدا می‌کند.

■ نکته آخر

انتخاب موضوع خوب در فیلم‌سازی یعنی پیمودن نیمی از راه. من فکر می‌کنم اگر مسائل کشور و انقلاب را به عنوان موضوع را انتخاب کنیم مخاطب با آن راحت‌تر ارتباط برقرار می‌کند.

اردو یک روش تربیتی عمیقی در محیط آموزشی ایجاد می‌کند که این یک مزیتی است.

بیشتر افراد از طریق اردو به راهیان سفر می‌کنند، علاوه بر آن راهیان نور اقبال خانوادگی هم پیدا کرده که این هم ظرفیت مجزایی دارد و می‌شود از آن برداشت فرهنگی کرد.

■ سختی‌های تولید مستند «خاک منتظر»

به دلیل اینکه راهیان نور مثل خود جنگ یک پدیده مردمی است و شکل‌گیری آن به ریشه انقلابی مردم برمی‌گردد، نشان دادن معنای این کار برای ما سخت بود.

برای تولید این کار ما مجبور بودیم ریشه‌های تاریخی آن را دقیق پیدا کنیم تا در حق افرادی که در شکل‌گیری راهیان نور دخیل بودند اجحاف نشود.

■ موضوع مستند «داستان آینده»

درباره زندگی دکتر کاظمی آشتیانی مؤسس پژوهشگاه رویان است؛ یکی از دوستان در موسسه رویان، این سوژه را به من معرفی کرد که پس از تحقیق درباره این شخصیت متوجه شدم چقدر این شخص ظرفیت الگو شدن دارد.

دکتر کاظمی آشتیانی در زندگی‌اش کارهای بسیار عجیب و بزرگی انجام داده ولی تا الان کسی درباره آن حرفی نزنده است حتی غربی‌ها او و رویان را بیشتر از ما می‌شناسند.

چون وقتمان برای تولید این اثر کم بود ما نتوانستیم تمام ابعاد شخصیتی دکتر آشتیانی

محمد حیبی منصور کارشناس رشته کارگردانی که مستند «خاک منتظر» را تولید کرده است با توجه به اشتغال خود در موسسه رسانه‌ای رهاوی در گفتگویی اذعان داشت: کار هنری را از سال ۸۰ یعنی زمانی که دانش آموز هنرستان فیلم‌سازی شدم شروع کردم و تا امروز آن را ادامه دادم.

تاکنون ۲۰ اثر را تولید کرده ام و عنوان اولین کاری که تولید کردم «هوای تازه فطرت» در سال ۸۶ و مطرح‌ترین کارم «معلم» بوده که در جشنواره عمار سال گذشته فانوس گرفته است.

■ موضوع مستند «خاک منتظر»

دو اثر با عناوین «خاک منتظر» و «داستان آینده» را به هفتمین جشنواره عمار ارسال کردم که موضوع مستند «خاک منتظر» روایتی از چرایی شکل‌گیری پدیده راهیان نور است که در آن به ارزش و ظرفیت سفر به مناطق جنگی هم اشاره کرده‌ایم.

بنده از سال‌ها قبل مسائل راهیان نور را پیگیری می‌کردم و پارسال هم یک مجموعه مستند ۴ قسمتی با عنوان «یادگاران» برای شبکه افق تهیه کرده بودم که «خاک منتظر» خلاصه همان ۴ قسمت است.

■ ظرفیت و ارزش راهیان نور و هدف از ساخت

راهیان نور ظرفیت‌هایی دارد که هنوز ناشناخته است و ما با آن آشنا نیستیم و همین امر باعث می‌شود به اندازه کافی از آن برداشت فرهنگی نداشته باشیم.



۷

گفت و گو



«خاکریزهای نمکی»؛ سوژه های طنز در اردوگاه های بعثی

رسول آذرگون، متولد سال ۱۳۵۷ است و به فراخور علاقه خود در دوران تحصیل، رشته گرافیک را برگزید و در دانشگاه نیز علاقه خود را در همین زمینه دنبال کرد، او که کار خود را در ساخت انیمیشن های دو بعدی به صورت تجربی آغاز کرد، حدود ۲۰ سالی است که به امر تولید می پردازد.

طراحی انیمیشن سریالی حقوق خوان باد مهربان و کارگردانی انیمیشن پچرخ تا پچرخیم که توانست فانوس بلورین ششمین جشنواره مردمی فیلم عمار از جمله آثار آذرگون است، او امسال با انیمیشن سریالی خاکریزهای نمکی که در ۱۳ قسمت تولید شده در هفتمین جشنواره مردمی فیلم عمار حضور دارد.

نحوه شکل گیری «خاکریزهای نمکی»

خاکریزهای نمکی برگرفته از خاطرات شیرین و طنز رزمندگان در دوران دفاع مقدس است؛ چرا که این نوع نگاه کمتر در میان دیگر آثار دفاع مقدس دیده می شود و ما در این انیمیشن قشر نوجوان را مخاطب هدف قرار دادیم؛ چرا که هنگامی که می خواهیم از آن دوران برای نسل سومی ها تعریف کنیم باید با جذابیت کار کرد و تا به حال با چنین فرم و محتوایی پیرامون مضامین دفاع مقدس کاری به تولید نرسیده بود. داستان انیمیشن خاکریزهای نمکی، براساس کتابی از آقای داوود امیریان انتخاب شد و در مجموع سعی کردیم که محتوای قصه ها را به زبانی شیرین به مخاطب انتقال دهیم و این

انیمیشن در دفعات و مناسبت های مختلف از شبکه های مختلف از جمله، شبکه یک، امید و نسیم پخش شد و خوشبختانه بازخوردهای مثبتی از کار دریافت کردیم.

در پروسه پیش تولید که حدود ۵ ماه به طول انجامید، دنبال سوژه هایی غیر تکراری بودیم و بحمدالله توانستیم زاویه ای نو و جدید به مقوله دفاع مقدس را به مخاطب ارائه دهیم تا نوجوانان درک بهتری از آن فضا داشته باشند و می خواستیم با این کار مقاومت، ایثار و از جان گذشتگی رزمندگان دفاع مقدس را به نسل سوم انقلاب نشان دهیم.

زمان تولید کار

انیمیشن خاکریزهای نمکی در حدود ۵ ماه به تولید رسید و زحمت فراوانی از سوی بچه ها کشیده شد تا این کار با چنین کیفیتی به خروجی برسد؛ به گونه ای که ما پلانی تکراری در این اثر استفاده نکرده ایم.

آشنایی با جشنواره عمار

از سال گذشته و به واسطه ارسال اثر «پچرخ تا پچرخیم» با این جشنواره آشنا شدم و به واقع می توان واژه مردمی بودن را به این جشنواره اطلاق کرد.

فضا و شرایط این جشنواره من را علاقه مند به ادامه ارتباط با این جشنواره کرد و نکته ای دیگر که مرا مجذوب این جشنواره کرد اکران فیلم ها در محلات و مناطق مختلف است و دخیل کردن مردم در جریان فرهنگی و هنری امری مثبت و ارزنده است و این مسئله ایجاد شور و نشاط در میان مردم را به دنبال دارد.

اکران های مردمی عمار کمک می کند تا خروجی این جشنواره به بهترین شکل ممکن دیده شود و آثاری را که ممکن نیست در سینما و مراکز فرهنگی نمایش داد، می توان از فضای مدرسه و مسجد در جهت نمایش آن ها استفاده کرد.

آینده جشنواره عمار

هر مجموعه ای که با تلاش و پیگیری کار خود را پیش برد آینده ای موفق به همراه خواهد داشت و عمار از این جنس مجموعه هاست و این تلاش در جشنواره هایی که پس از یک یا دو دوره متوقف می شدند دیده نمی شد.

جشنواره عمار مأمونی برای بچه های انقلاب است و کمک شایانی به دیده شدن آثار آن ها می کند و پیشنهاد من به جشنواره عمار این است که به سمت فراگیری بیشتر رود که بحمدالله این مسئله در آثار امسال جشنواره مشهود بود و این جشنواره اگر بتواند خود را پویاتر در عرصه انیمیشن نشان دهد، در جذب هنرمندان متعهد پویاتر خواهد بود.

این جشنواره باید بتواند مخاطبان بیشتری را در همه گروه ها جذب کند و با دستیابی به این مهم می تواند از جشنواره های تخصصی پویانمایی از لحاظ کمی و کیفی پیشی بگیرد.

از آینده چه خبر؟

در حال تولید اثری سینمایی در فضایی فانتزی با موضوع اتحاد و پایداری هستیم که نام موقت آن را هفت قهرمان انتخاب کرده ایم و روند تولید آن از اوایل اردیبهشت ماه آغاز شده است.





«پهلوان تلگرد»؛ روایتی ساده از پیرمردی قهرمان

فاطمه صابری

اما می توان بیان داشت که کارگردان با هوشمندی و متناسب با هدف اصلی که همان روایت زندگی مردمان برجسته پایین شهر است و با دوری از فرم زندگی و دخالت حداقلی در قاب بندی ها، دوربین خود را در فضای شخصیت داستان های خود هضم کند و با ساده گویی کمک به همه فهم کردن اثر کند. فیلم همچنین با رد تقسیم بندی غیر دقیق و ذهنی پایین شهر-بالاشهر به نقد بی توجهی به توانایی ها و استعداد های سرشار مناطق به اصطلاح در حاشیه نیز می پردازد.

در مجموع شاید پیرمرد محله تلگرد، قصه زندگی اش از جذابیت های بصری و فرم گرایی امروز به دور است اما او پهلوانی است که از کودکی با تکیه بر خود و با استمرار در ورزش کردن و مطمئناً با داشتن فضایل درونی توانسته در سن نود سالگی با انگیزه و امید به زندگی خود ادامه دهد و با شوق خبر بدنی آمدن نبیره خود را بشنود و این روحیه برای مخاطب امروز که گاهی در بی حوصلگی و افسردگی درونی در حال زندگی کردن است و از فضایل انسانی دور شده است بر آسمان ذهنش می نشیند تا لحظه ای خود را در زندگی های بدور از تکلف و پرزرق و برق تصور کند و کمی عمیق تر، به زندگی و هدف از زندگی بیندیشد.

اش در ورزش تک حرکت پرس و داشتن رکورد جهانی در این رشته است. به گفته پیرمرد او تنها مرد بالای ۷۰ سال است که در مسابقات وزنه برداری تک پرس دنیا توانسته وزنه ۸۵ کیلوگرمی را بلند کند؛ اما به دلیل مالی و حضور نداشتن در مسابقات بین المللی نتوانسته رکوردش را ثبت جهانی کند.

داستان "پهلوان تلگرد" همان طور که بیان شد روایتی بدون پیچیدگی است. روایتی گزارش و آراز زندگی فردی در مناطق پایین شهر اما با ویژگی های برجسته که امروز از مفاخر محله خود به شمار می آید. فیلم موضوع خود را از مردم گرفته و به سادگی به بیان تصویری و کلامی سوژه های خود پرداخته است و در فرمی بدون واسطه فعالیت این افراد را به تصویر می کشد که این امر در همه فهم کردن اثر کمک کرده است.

کارگردان با دخالت حداقلی و پرهیز از فرم زندگی، فیلمی باور پذیر ارائه داده است و با صراحت گویی های ساده و بی تکلف سوژه داستان، باعث غافلگیری مخاطب پیچیده امروزی گردیده است. چرا که مخاطب با دیدن اثر با جذابیت های بصری، فرم های پرتبخرو و قاب بندی های پرتکلف مواجهه ای ندارد. برای همین مستند "پهلوان تلگرد" با ذائقه امروز مخاطب کمی فاصله دارد.

"پهلوان تلگرد" عنوان ششمین قسمت از مجموعه مستند "قصه های شهرما" به کارگردانی محسن اسلام زاده است. کارگردان برخلاف آثار دیگرش که تم اصلی کارهایش، جنبش های اسلامی و تحولات منطقه ای بوده است در این اثر با دوری از پیچیدگی های فرمی و قاب بندی های تصویری همچون سوژه مستندش، سراغ آدمی با ویژگی های برجسته، در منطقه پایین شهر مشهد رفته است.

سوژه اصلی داستان، سید محمد علی جعفری پیرمرد ۹۰ ساله است که در محله تلگرد صاحب نانوايي سنتی است و به گفته خودش از ۱۲ سالگی به این حرفه مشغول بوده است. او فرزند شهید قیام گوهرشاد است و پدرش را در کودکی در این قیام از دست داده و خودش نیز پدر شهید دفاع مقدس است و این بار دراماتیک خاصی را به داستان بخشیده است.

در برخورد اول پیرمرد قصه فردی معمولی شبیه به همه انسان ها دیده می شود اما اوصاحب صفات و فضایی است که توانسته شخصیتش پتانسیل قصه گویی پیدا کند. البته صفات و فضایی که لنز دوربین به طور کامل نتوانسته آن را به تصویر بکشد.

اما ویژگی برجسته ای که این پیرمرد ۹۰ ساله را سوژه این قسمت مستند "قصه شهرما" قرار داده، قهرمانی



یادداشت شفاهی



شاهرخ ضرغام می‌رفتی، حرامام می‌آمدی

یوسف مرادی

می‌شوید، حسینی می‌شوید. دفاع مقدس یک زمین تربیت بود. وقتی شما داخل آن می‌شدید، آموزش می‌دیدید، بدون این‌که کسی به شما درس بدهد. شاهرخ ضرغام می‌رفتی و حرامام خمینی می‌آمدی. یکی دیگر از زمین‌ها جهاد سازندگی بود. هر کس به جهاد سازندگی می‌رفت، انقلابی بیرون می‌آمد. به همین دلیل هم آن را کشتند. یک زمین بازی قدرتمند در تربیت منابع انسانی بود.

عمار هم ماهیتی این‌گونه دارد. البته هنوز ظرفیت عمار به بروز و ظهور نرسیده. هر کس در زمین عمار آمد، امکان ندارد، وقتی خارج بشود، نوع انقلابی بودنش متفاوت است. نوع انقلابی بودنش بسیار نزدیک به نگاه امام و آقا می‌شود. من می‌توانم این را دقیقاً اثبات بکنم. شما در جامعه ایران با مذهبی‌هایی طرف هستی که نمی‌توانند انقلاب آقا را متوجه شوند. نمی‌توانند این را بفهمند. عمار آن زمین بازی‌ای است که شما را با حقیقت انقلاب آشنا می‌کند. مثل مدافعان حرم. اصلاً نمی‌توانی ماهیت آنها را بشناسی، مگر این‌که سینمای عمار را ببینی. نمی‌توانی! امکان ندارد! کسی نمی‌تواند فیلم مادرانه را ببیند و گریه نکند. اصلاً داعش هم فیلم مادرانه را ببیند، گریه می‌کند.

شأن عمار در انقلاب

جایگاه جشنواره عمار در انقلاب اسلامی مثل جایگاه منبر در هیئت‌های مذهبی است. یعنی قرار نیست شور ایجاد کند. قرار است بصیرت ایجاد کند. جایگاهش در منظومه انقلاب اسلامی مثل جایگاه سخنرانی در هیئت است. جایگاهش مثل آن است. آن شور انقلابی بعد از آن است که شکل می‌گیرد و صحیح است و آن شور انقلابی باعث نمی‌شود که شما بروی قمه بزنی.

سخنرانی قبلش است. می‌گوید شور داشته باش. حسینی باش. برو شهید شو؛ اما عین شیعه انگلیسی دچار خطا نشو. جلوی انحرافات را می‌گیرد.

نگاه کنند. یک فضای مجازی است که هر کسی در آنها قرار می‌گیرد، بنا به ماهیت آن فضا، تربیت می‌شود. مثلاً بخواهم جزئی‌ترینش را بگویم. نوع معماری ساختمان‌ها است. شما در کشوری مثل تاجیکستان اصلاً آشپزخانه آپن ندارید. چون آنها خیلی بی‌حیایی و زشت می‌دانند که زنشان توی آشپزخانه باشد و مهمان او را ببیند اما در ایران خانه‌ای نمی‌بینیم که آشپزخانه آپن نداشته باشد. در فضای خانه‌های ما و در آپارتمان‌هایمان داریم

جایگاه جشنواره عمار در انقلاب اسلامی مثل جایگاه منبر در هیئت‌های مذهبی است. یعنی قرار نیست شور ایجاد کند. قرار است بصیرت ایجاد کند. جایگاهش در منظومه انقلاب اسلامی مثل جایگاه سخنرانی در هیئت است.

تربیت می‌شویم که حیا از بین برود. در این معماری. این دیگر جزئی‌ترینش است. بالاتر برویم. زمین‌های بازی وجود دارد که غرب می‌سازد؛ مثل فوتبال. جامعه‌ای که فوتبال را نگاه می‌کنند و دنبال می‌کنند، وارد فضایی می‌شوند که ساختارهای دو قطبی را تمرین می‌کنند. فوتبال را آقای کیسینجر پیشنهاد داد. به عنوان فضایی برای تربیت کردن آدم‌های جهان، برای ساختارهای دو قطبی مثل دمکرات و جمهوری خواه که در آمریکا هست. با فوتبال جوع ساختارهای دو قطبی را در فضای دیگری تمرین کنند. نه در فضای سیاست.

در تشیع و انقلاب اسلامی هم ما از قدیم یک سری زمین‌هایی داشتیم. مثل هیئت‌های مذهبی. یعنی هیئت‌های مذهبی صرفاً یک جایی برای عزاداری نیست. یک فضایی است که وقتی شما وارد آن

تجربه عمار در دهه شصت

من عمار را از کودکی می‌شناسم. اصلاً جشنواره عمار یک ریشه تاریخی دارد و ظهورش بعد از فتنه نیست. ریشه تاریخی جشنواره عمار به سال‌های پنجاه و نه تا پایان جنگ برمی‌گردد.

آن موقع خیلی از روستاهای ایران برق نداشت. تلویزیون نداشت. اصلاً تلویزیون نمی‌گرفت. این نیروهای جهادی، فیلم‌های سینمای جنگ و دفاع مقدس را می‌بردند و در روستاها نمایش می‌دادند. یادم هست بیژن به روستای ما می‌آمد. آن موقع آپارات می‌آورد. صدا نداشت. خودش روی فیلم حرف می‌زد. بعداً به قول یکی از بچه‌هایی که در فضای کارگردانی مستند و سینما افتاد، به ما می‌گفت که بیژن به ما یک فیلمنامه دیگر می‌گفته. من فیلم‌ها را دیدم ولی فیلمنامه بیژن بهتر از فیلمنامه اصلی بود. در دهه هفتاد و در عصر رفاه‌زدگی و کارگزاران، کلاً فتیله انقلاب پایین کشیده شد. در دهه هشتاد هم که دیگه اصلاً جرم شد. نگاه انقلابی جرم که هیچی، اصلاً یک نگاه خیلی زشت و ناپسند و خیلی بدی شد. از این نظر عمار برای مقدس و زیبا است. خودم از این زاویه دوستش دارم. جشنواره فیلم عمار که در دهه شصت داشتیم، شهید تولید می‌کرد. شهید می‌ساخت. یعنی هدف ما باید در این سطح باشد که بتواند شهید تربیت کند.

پسریکی از اقوام، چهارده ساله بود. مفقودالتر شده بود. پرسیدم، غلام چه طوری به جبهه رفت و شهید شد؟ می‌گفت: غلام که نمی‌دانست جنگ و جبهه چی است. بیژن او را به کشتن داد. بیژن خودش یک سخنرانی داشت که بک گراندش آن فیلم بود. بیژن خودش در مورد امام و انقلاب یک سناریو داشت و آن را مقابل مخاطبین پیاده می‌کرد؛ والا توی سینما که اسم امام نمی‌آمد.

زمین بازی تربیت

ما کلاس‌های درسی خاصی داریم که این کلاس‌ها اصلاً تشکیل نمی‌شوند. یعنی شکل کلاس درس نیست که یک استاد بیاید درس بدهد و دانش‌آموزان



یادداشت شفاهی

آینده‌ عمار

ما هنوز فیلم سینمایی خروجی از بچه‌های عمار نداشتیم. فیلم‌های داستانی را هم تازه شروع کرده‌اند. طالبی یا حاتمی‌کیا یا دیگران که سینمایی کار می‌کنند، اینها از قبل هستند و کم‌اند. ما نتیجه‌ عمار را الان نمی‌بینیم. نتیجه عمار را دو دهه دیگر می‌بینیم. عمار تازه دارد شکوفه می‌زند. عمار هنوز شکوفه زنده و یک نهال قشنگ در باغ است.

بین این نهال چه غوغایی کرده؟ اگر این درخت شود، شکوفه بزند و میوه بدهد چه کار می‌کند؟ ما انشاءالله با نسل گسترده‌ای از کارگردان‌های انقلابی در دو دهه آینده آشنا می‌شویم که تاریخ سینمای ایران را تا ابد تغییر می‌دهد؛ یعنی سینمای روشنفکری باید برود و بمیرد، دیگر تمام. عمار یک طوفان فکری دسته‌جمعی انقلابیون ایران است. در این طوفان فکری خلاقیت ایجاد می‌شود، اصلاً برای خلاقیت است.

دقیقاً مثل اتفاقی است که در انقلاب اسلامی در حوزه سینما می‌افتد و کلاً تغییر می‌کند. ما یکی دو دهه آینده دوباره این اتفاق را در سینما خواهیم داشت. دوباره انقلابی در سینما خواهیم داشت. هنوز آن اتفاق نیفتاده. آن اتفاق انشاءالله یک دهه یا دو دهه دیگر می‌افتد. آن انقلاب سینماست است. آن غوغای اصلی عمار است. شما نسلی را می‌بینید و می‌گویید از کجا شروع کردی؟ می‌گوید من این را به عشق عمار ساختم که مرا ببینند. بروم فانوس بگیرم. در اکران‌های مردمی بروم. یک بچه‌مسجدی بودم. همین جوری گوشه‌ای را برداشتم و اولین بار یک فیلم ساختم. بچه‌ها مرا بالای سن بردند. تشویق کردند.

عمار در برگزاری مراسم هم خلاقیت به خرج داد. مراسم شهدا قدیم‌ها برگزار می‌شد. مادر شهید و پدر شهید ته سالن می‌نشستند. اصلاً کسی نمی‌گفت مادر شهید بیاید جایزه بدهد. هیچی نمی‌گفت که از مادر شهید تشکر می‌کنیم. مادر سه شهید جهان وطن این جا هستند. ولی عمار خلاقیت نشان داد. ایده‌های جدید داد. گفت: فضا را تغییر بده. صف اول، مال مادر شهید است.

مردمی بودن جشنواره عمار

مردم اصلاً کی هستند؟ کسی که این اسم را انتخاب کرده، یکی مثل وحید جلیلی بوده که انتخاب هوشمندی داشته. ما یک سری جناح‌های سیاسی داریم به نام اصولگرا و اصلاح‌طلب. اینها جناح‌هایی هستند که دولت آنها را ساخته. یک جناحی هم داریم که جناح انقلابی است. جریان انقلابی یک جناحی دارد که اسمش مردم است. جریان ضد انقلاب هم جناح دارد. آنها

ما یک سری جناح‌های سیاسی داریم به نام اصولگرا و اصلاح‌طلب. اینها جناح‌هایی هستند که دولت آنها را ساخته. یک جناحی هم داریم که جناح انقلابی است. جریان انقلابی یک جناحی دارد که اسمش مردم است.

اکران‌های مردمی

اکران‌های مردمی جشنواره عمار، شکستن انحصار اکران و نمایش بود. سینماهای ما بچه‌ها را نشان نمی‌دهند. صدا و سیما ما نشان نمی‌دهد. صدا و سیما ما انقلابی نیست؛ اما بیگناه است. به دلیل ساختارهای اشتباهی که داریم، صدا و سیما بیگناه است. صدا و سیما هیچ وقت مستند داد یا جمهوری در جمعه بازار یا سیلاب کلوار را نشان نمی‌دهد. هیچ وقت نشان نمی‌دهد. اصلاً نمی‌تواند توی این فضاها بیاید. در ساختار صدا و سیما محافظه‌کاری وجود دارد. وقتی اینها را نشان نمی‌دهند، بچه‌ها همگی بیژن می‌شوند. تا ته روستاها می‌روند. تا ته روستاهای کهکلیویه و بویراحمد که جاده هم نیست. برق هم نیست. اصلاً آب و اینها هم نیست. هیچی نیست. بچه‌ها می‌روند فیلم‌ها را نشان می‌دهند.

سرویس‌های امنیتی غرب هستند و جریان شبه روشنفکری در ایران. این‌ها مردم نیستند. گاهی مردم را فریب می‌دهند. اصلاً اینها هیچ وقت با مردم نبودند. اینها همان‌هایی هستند که می‌گویند کارتن‌خواب‌ها را عقیم کنیم که گندشان پاک شود.

انقلاب متعلق به مردم است. اصلاً همه چیز برای مردم است. ما که اصلاً چیزی نداریم. این مردم هستند که انقلاب را تا این جا آورده‌اند. شما مردم را از تاریخ انقلاب حذف کن، ته‌اش چی می‌ماند؟ دیگر هیچی نداریم. این چندتا آدم ذخائر انقلاب که سر سفره انقلاب بودند و همیشه نان به نرخ روز می‌خوردند، مردم هستند؟

مردم هستند که خون دل می‌خورند. انقلاب، جنگ، تحریم، بیچارگی، بدبختی، باز هم نه دی

شهبازی از پروژه بزرگش می گوید

۲۹۰ مستند برای شهدای ایرباس

پشتوانه ای نداشتیم حتی وقتی می خواستیم راجع به ۴۲ شهید خارجی این پرواز در بحث برون مرزی کار کنم هیچ کس کمک نکرد و این در حالی است که از ۸ کشور دنیا مسافر این پرواز بودند و وزارت امور خارجه باید ما را پشتیبانی می کرد.

من به جرات می توانم بگویم که بیشترین اسناد در رابطه با این موضوع در دست من است و آنها کار خاصی انجام نداده اند.

مستند جدیدی در دست تولید داریم که موضوع آن درب های در حال ساخت حرم امامین عسکریین (ع) در هرمزگان است که پس از پایان ساخت این درب ها به سامرا منتقل می شود.

■ جشنواره عمار

به نظر من جشنواره عمار می تواند یکی از بهترین جشنواره ها باشد زیرا که معرف واقعی هنر ایرانی اسلامی است. این جشنواره می تواند در سطح بین الملل مطرح شود ولی نگاه بقیه جشنواره ها کاملا سیاسی است.

عده گرفتند.

سال ۹۵ ساخت مستند «پس از پرواز» را شروع کردم و تا الان ۷ قسمت آن آماده پخش و ۵ قسمت هم در مرحله تولید است که به همین ترتیب پیش می رویم تا بتوانیم به تعداد ۲۹۰ شهید این حادثه به صورت جداگانه مستند بسازیم.

■ هدف از ساخت مستند «پس از پرواز»

بنده قبلا در جشنواره های مختلف حتی در سطح بین الملل حضور داشته ام ولی مسئله ایرباس تفاوت دارد چرا که بحث استکبار ستیزی است و این دغدغه من شده که جنایت مسکوت مانده در خلیج فارس را به مستند تبدیل کنم.

اولین مشکل «ساخت پس از پرواز» بحث زمان بود. یعنی ما آنقدر دیر به سراغ این موضوع رفته ایم که بسیاری از اسناد از بین رفته و این باز ماندگان هستند که نقل تاریخ می کنند و حتی خیلی از شاهدان هم فوت شده اند.

مشکل دیگر در بحث حمایتی است که من هیچ

«محمود شهبازی» کارگردان مستند ۲۹۰ قسمتی «پس از پرواز» درباره موضوع و ایده ساخت این مستند گفت: موضوع این مستند درباره انفجار هواپیمای ۶۵۵ در سال ۶۷ توسط ناو آمریکایی وینسنس است؛ بنده میدانستم بیشتر جان باختگان این حادثه از همشهریان من بودند و پس از گذشت ۲۷ سال هیچ کار شاخصی در این موضوع ساخته نشده است.

سال ۸۹ تصمیم بر جمع آوری اطلاعات و ساخت مستندی با این موضوع گرفتم که تولید آن به مدت ۳ سال طول کشید و مستند «پرواز روز یکشنبه» ساخته شد که در آن به کل موضوع انفجار هواپیما پرداختم و سال ۹۲ این کار رو نمایی و از شبکه های استانی پخش شد.

بعد از ساخت «پرواز روز یکشنبه» متوجه گستردگی این موضوع شدم و تصمیم بر تولید ۲۹۰ مستند برای هر یک از شهدای این پرواز به صورت اختصاصی گرفتم که در این کار نیازمند حامی بودم. بعد از مدتی با دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی آشنا شدم که آنها حمایت مالی ساخت این مستند را بر

فیلم
چشمه
پژوهشگری

۱۲

گفت و گو



۱

بهترین کیفیت را برای ضبط تصویر انتخاب کنید و از روی فرمت‌هایی که تلفن همراه شما قابلیت آن را دارد، فرمتی که بیشترین حجم را ضبط می‌کند انتخاب کنید. اگر فیلم‌برداری شما به چند مرحله تقسیم می‌شود، دقت کنید فرمت فیلم‌برداری تغییر نکند.

۲

از گوشی تلفن همراه به صورت افقی برای فیلم‌برداری استفاده کنید و همواره صدا و تصویر را چک کنید. بعد از اتمام فیلم‌برداری نسخه پشتیبان تهیه کنید.

۳

برای کادربندی درست به جهت نگاه افراد و چاکگیری آنها در کادر دقت کنید. سعی شود مستقیم به دوربین نگاه نکنند و در وسط کادر قرار نگیرند، بهترین مکان در کادربندی معمولا کمی متمایل به گوشه هاست و بهترین حالت برای جهت نگاه، تعیین مقدار مناسبی فضا در کادر در جهت نگاه سوزده است.

۴

حتما سیم کارت را از تلفن همراه خارج کنید تا هنگام ضبط تماس تلفنی باعث قطع فیلم‌برداری نشود و تلفن‌های دیگر را نیز خاموش کنید. از اینکه چند نفر همزمان صحبت کنند اجتناب کنید و صحبت‌ها را نیمه تمام رها نکنید.

۵

سعی شود در تصویر منبع نور وجود نداشته باشد مثلا وقتی در اتاق فیلم‌برداری می‌کنید، لامپ مهتابی یا لوستر روشن، در تصویر وجود نداشته باشد. اگر منبع نوری پشت سر سوزده و خارج از کادر وجود داشته باشد برای نورپردازی مناسب است.

۶

باید خوش اخلاقی، صبر و حوصله و رفتار سنجیده را همیشه مد نظر داشت و سوزده را در مورد مطالب مورد نظر توجیه کرد تا صحبت‌ها به حاشیه نرود. همیشه یک طرح جایگزین داشته باشید تا اگر به هر دلیلی نتوانستید از سوزده یا رویدادی فیلم بگیرید، راه چاره‌ای برای ادامه وجود داشته باشد.

۷

بهترین شرایط نوری در محیط خارجی در فضای آزاد وقتی است که هوا ابری باشد یا صبح که خورشید ملایم‌تر می‌تابد، اگر چنین شرایطی برای شما قابل دسترسی است حتما کمال استفاده را ببرید. اگر چنین شرایطی نبود مثلا در آفتاب شدید ظهر، سعی کنید آسمان در تصویر وجود نداشته باشد.

۸

سعی کنید از قابلیت زوم استفاده نکنید. این کار باعث می‌شود کیفیت فیلم بسیار پایین بیاید و لرزش دست مشهود شود و تصویر تار و بی‌کسلی شود.

۹

سعی کنید در مکان‌های عمومی مکان‌های خلوت را برای ضبط انتخاب کنید تا صدای بهتری داشته باشید. یا اینکه سوزده را متوجه سازید تا با صدای رسا صحبت کند.

۱۰

برای انتخاب فایل‌های تصویری و موسیقی برای آنها دلیل داشته باشید و آنها را متناسب با هم و با توجه به ریتم صدا و تصویر انتخاب کنید.

۱

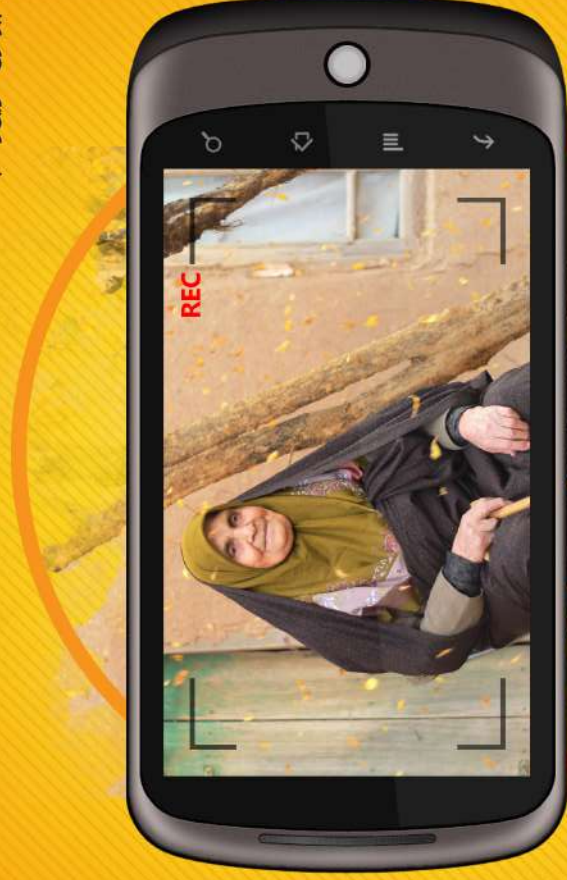
قبل از فیلم برداری

۲

حین فیلم برداری

۳

بعد از فیلم برداری



راهنمای فیلم‌سازی با تلفن همراه

در ساخت فیلم با گوشی تلفن همراه نکاتی را باید در نظر گرفت که رعایت آن باعث بهبود هرچه بهتر در کار است.

نسبت به سوزده خود شناخت پیدا کنید و به موضوع و سوزده مسلط شوید. برای این کار حتما تحقیق کنید و اگر تحقیق موثر نبود از ساخت این فیلم صرف نظر کنید. توجه داشته باشید که بررسی سوزده از زاویه‌ای که تا به حال دیده و مطرح نشده مهم است.

پژوهش در فیلم را جدی بگیرید. در پژوهش حتما نظرات مخالف در مورد موضوع یا سوزده را مطالعه کرده و پاسخی برای آنها پیدا کنید. حتما ایده خود را مکتوب کنید و آن را بررسی کنید و روایت فیلم خود را مشخص کنید.

سعی کنید به قابلیت‌ها و امکانات دوربین تلفن همراه خود مسلط شوید و از سالم بودن آن اطمینان حاصل کنید. در صورت تمایل از نرم افزارهای مختلفی که برای فیلم‌برداری، تدوین و ضبط صدا در تلفن همراه ارائه شده‌اند دیدن کنید.

قبل از شروع کار، از محیط فیلم‌برداری دیدن کنید و از شرایط نوری، صداها در محیط و ... اطلاع پیدا کنید. همچنین تمام وسایل مورد نیاز و زمان تخمینی کار را مشخص و مکتوب کنید.

قبل از انجام کارها با افراد درگیر و سوزده‌ها هماهنگی به عمل آورید و با فقط اجازه افراد از آنها تصویر ضبط کنید.

به هر گونه صدا، افکت، موسیقی و سایر قابلیت‌های تصویری یا تدوین قبل از شروع ضبط فکر کنید.

در صورت امکان از دو تلفن همراه یکسان استفاده کنید یا همراه داشته باشید تا بتوانید از زوایای مختلف از رویدادها فیلم بگیرید یا در صورت بروز هر مشکلی جایگزین داشته باشید.

مشخص کنید که مخاطب اثر شما چه کسانی هستند تا متناسب با آنها اثر را بسازید. قبل از ارسال اثر از شرایط و مراحل ارسال مطلع شوید.

دیدن فیلم‌هایی که دیگران با تلفن همراه ساخته‌اند می‌تواند مشوق و یا باعث آشنایی شما با فضای فیلمسازی با موبایل باشد و خلاقیت شما را فعال سازد.

به قابلیت چسباندن فایل‌های فیلم‌برداری شده به یکدیگر و صداگذاری که بر حسب طرحی که از قبل نوشته‌ایم و روایت فیلم انجام می‌گیرد، تدوین می‌گویند. برای تدوین فیلمتان از نرم‌افزارهای رایج برای تلفن همراه مثل movie maker یا نرم افزارهای مشابه که قابل دانلود هستند استفاده کنید.

سعی کنید برای هر برش یا کات در تدوین دلیل داشته باشید و بهترین لحظه را در فیلم‌هایی که گرفته‌اید برای کات زدن انتخاب کنید. اگر مطالبی در فیلم وجود دارد که زائد هستند، آنها را کات و حذف کنید.



حاجی غلامی از روایت مدافعان حرم در «سلام» می‌گوید

سینمای مردمی در سینمای داستانی

فیلم‌هایش را به روستاها هم می‌رساند و پخش می‌کند که باعث می‌شود رقیب مردم به دیدن فیلم زیاد شود. دلیل دیگر استقبال نکردن مردم از سینما، فاصله گرفتن از سینمای قه‌گو و سینمایی است که مردم آن را دوست دارند، ولی الان به سمتی می‌رویم که بیشتر مورد توجه خارجی‌ها است. اگر فیلم‌های طنز هم مورد استقبال قرار می‌گیرد دلیلش این است که بالاخره مردمی تر بوده و آن را دوست دارند.

زمانی سینما، مردمی می‌شود که دغدغه‌های مردم را چه خوب و چه بد با زبان سینما و قصه تعریف کند. اگر ما آن جنبه سرگرمی و ارتباط با مخاطب را نداشته باشیم حتی اگر موضوعاتمان هم درست باشد مخاطب را از دست می‌دهیم.

بنده معتقدم که سینمای داستانی با مستند متفاوت است؛ در کار داستانی باید دنبال قصه گفتن باشیم که آن هم نیاز به درام و موضوعاتی است که مردم با آن درگیرند.

سینما توهم واقعیت است. با قصه می‌توانیم این توهم واقعیت را ایجاد کنیم؛ اگر قصه نگوئیم و سینمای داستان به سینمای مستند گونه تبدیل شود و قصه برای گفتن نداشته باشد نمی‌توانیم مفاهیم را به خوبی منتقل کنیم.

اهمیت تولید فیلم در شهرستان

مشکل سینما در این است که اگر بچه‌های شهرستان بخواهند فیلم سازیشان را ادامه دهند، مجبور هستند برای کار به تهران بیایند و این بدترین شکل ممکن است؛ این اتفاق بدی است که من باید شهر خودم را ول کنم، به تهران بیایم تا از من حمایت کنند؛ این برای بچه‌های شهرستانی یک درد است.

مشکل مهاجرت شهرستانی‌ها به تهران این است که با دغدغه‌های مردمی شهر خودشان فاصله می‌گیرند.

البته یکی از نکات مثبت «سلام» این است که در شهر یزد، به زبان محلی و با همان شکل و شمایل سنتی ساخته شده است. با اینکه فیلم‌نامه قیلاشکل دیگری داشت آن را به زبان یزدی تبدیل کردیم که این بسیار ارزشمند بود. اگر همه کارگردان‌ها را در تهران جمع کنیم باید فیلم‌های آپارتمانی بسازیم که مردمی بودن به فیلم‌نامه‌های تکراری تبدیل می‌شود؛ چیزی که الان هم دچارش هستیم.

بقیه جشنواره‌ها نیست و نوع نگاهش فرق دارد. اگر عمار با همین ذهنیتی که در پشت آن هست به استعداد پروری خود ادامه دهد، در آینده می‌تواند خیلی خوب عمل کرده و از لحاظ کیفی رشد خوبی داشته باشد، کما اینکه تا الان هر ساله رشد آن مشهود بوده است.

هر جشنواره‌ای سیاست‌های خاص خودش را دارد همانطور که در همه دنیا با توجه به سیاست‌ها و نیازهایی که در تولید فیلم هست رقابتی بین آثار بوجود می‌آید که باعث شکل‌گیری جشنواره می‌شود. استعدادها، نگاه و رقابتی که در جشنواره عمار وجود دارد باعث می‌شود هر سال امیدواری برای تولید بوجود بیاید که البته باید حفظ بشود. مطمئناً اگر در بخش سینما از تولید حمایت بشود می‌تواند روند بهتری داشته باشد.

مشکل سینما در این است که اگر بچه‌های شهرستان بخواهند فیلم سازیشان را ادامه دهند، مجبور هستند که برای کار بیایند تهران و این بدترین شکل ممکن است؛ این اتفاق بدی است که من باید شهر خودم را ول کنم، به تهران بیایم تا از من حمایت کنند؛ این برای بچه‌های شهرستانی یک درد است.

به نظر من جشنواره عمار به یک استاندارد سازی در بخش نمایش فیلم احتیاج دارد. درست است که نمی‌خواهد کار جشنواره‌های دیگر را تکرار کند ولی باید به یک استاندارد برسد تا برای جشنواره‌های دیگر هم الگو شود.

مردمی شدن سینما

به نظر بنده یکی از دلایل فاصله گرفتن مردم از سینما این است که موضوع فیلم‌ها با مردم فاصله گرفته است؛ هر چقدر این فاصله بیشتر شود استقبال از سینما هم کمتر می‌شود. یکی از ویژگی‌های جشنواره عمار این است که

محمد رضا حاجی غلامی متولد سال ۱۳۶۰ است. کار هنری خود را در سال ۷۹ از انجمن سینمای جوان شروع کرده و تا الان بالغ بر ۱۵ اثر همچون «زنده در خاک»، «نامه ای بر روی آب»، «ایستگاه اتوبوس» و «زوران»، تولید کرده است.

محمد رضا حاجی غلامی با آثار خود تاکنون در جشنواره‌های حقیقت، فیلم کوتاه تهران، صدا و سیما، رشد و ماندگار حضور داشته و برای اولین بار با کار داستانی «سلام» در جشنواره عمار شرکت کرده است.

«سلام»

این کار را با موضوع فرزند رزمنده مدافع حرم ساختیم که برای سلامتی پدرش نذر می‌کند. در طول داستان برای این بچه‌ها و نذرشان اتفاقاتی می‌افتد که البته در پایان قصه به یک جریان خوش‌آیندی تبدیل می‌شود.

ایده کار «سلام» را از یک داستانی برداشتیم که توسط دوستان به ما ارائه شد؛ داستان آن بسیار جذاب بود و با نگاه خیلی نو به پدیده رزمندگان مدافع حرم می‌پرداخت که ما مجذوب داستان شدیم و قرار شد تغییراتی در این داستان ایجاد می‌کنیم و آن را با حال هوای یزد تولید کنیم.

«سلام» یک نگاه امیدوارانه و متفاوت به رزمندگان مدافع حرم دارد که ما در آن احساس یک فرزند مدافع حرم را به پدرش نشان داده‌ایم. برای تولید این اثر قصد داشتیم موضوع مدافعان حرم را با حس لطافت و امیدوارانه در فیلم نشان دهیم که خوشبختانه کار به خوبی درآمد.

با توجه به زمان محدودی که برای تولید فیلم داستانی «سلام» داشتیم یک هفته فیلم برداری آن طول کشید و تقریباً دو هفته هم پس تولید داشتیم؛ الحمدلله کار به خوبی پیش رفت.

جشنواره عمار

چند سالی است که با جشنواره عمار آشنا هستیم ولی به دلیل اینکه موضوعات کارهایی که تولید می‌کردم به عمار نمی‌خورد نتوانسته بودم در آن شرکت کنم اما امسال توفیقی شد که بتوانیم در آن حضور داشته باشیم.

جشنواره عمار کاملاً با جشنواره‌های دیگر متفاوت است. حتی روند اجرایی‌اش را که نگاه می‌کردم مثل



یونسی از انیمیشن های دفاعی اش می گوید متولی حامی انیمیشن نداریم



اکران و فرهنگ

جمال یزدانی

فرهنگ، ایجاد خاطره‌ای مشترک در میان مردم نسبت به یک امر است. این خاطره مشترک، خود حاوی معنی یا معانی مشترک است. استمرار ارتباط با این خاطره مشترک و انباشته شدن آن در طول زمان و مبتنی بر مکان فرهنگ عمومی را ایجاد می‌کند. اکران‌کننده در واقع با اکران فیلم‌های دارای معانی انقلاب اسلامی برای جمع مخاطبش هویت و فرهنگ مشترک ایجاد می‌کند. یعنی می‌توان انتظار داشت که مخاطبین مستمر یک اکران کننده، دارای فرهنگ با خصوصیات عماری باشند.

فرهنگ عمومی دارای سطوحی است: فرهنگ اسلامی، فرهنگ ملی، فرهنگ شهری، فرهنگ محلی، فرهنگ روستایی. مردم، ترکیب‌های مختلفی از این سطوح را در نزد خود ایجاد می‌کنند و زندگی خود را بر این اساس پیش می‌برند. کار فرهنگی ای مؤثر است که بتواند هم در اجزا و هم در ترکیب آن‌ها با یکدیگر مداخله متناسب داشته باشد. این امر نیاز به شناخت دقیق مولفه‌های هر سطح از سوی فعالان فرهنگی دارد، بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی که در سطح کشور انجام می‌شود در این حوزه بسیار ضعیف‌اند. یعنی به طور مثال اگر فرهنگ اسلامی را می‌شناسند، اما از شناخت بقیه سطوح غافلند و نمی‌توانند کیفیت ترکیب این اجزا را انجام دهند. به همین دلیل کار فرهنگی مبتنی بر یک شناخت ناقص صورت می‌گیرد و چون از واقعیت فرهنگی مخاطبین دور است، اثرگذاری‌شان بسیار پایین است.

تنوعی که در فیلم‌های عمار وجود دارد آن است که تقریباً می‌توان گفت تمام این سطوح را، کم یا زیاد، پوشش می‌دهد. بنابراین مخاطب اکران‌ها به هر میزان که از این تنوع بهره‌مند شود، عمق فرهنگی‌اش در هر کدام از سطوح افزایش خواهد یافت. البته این سطح‌بندی اگر در حوزه تولید و توزیع مدیریت و خلأها شناسایی و تدبیر شود، اثرگذاری هرچه بیشتر آن را می‌توان انتظار داشت.

مسائل دفاع هوایی کشور و برگزاری جلسات جمع بندی به طرح‌های موجود رسیدیم و پروسه تولید این اثر حدود ۱ سال به طول انجامید.

با ساخت این انیمیشن سعی کرده ایم رضایت کودکان و نوجوانان را جلب کنیم و این میزان رضایت پس از پخش و دیده شدن مشخص خواهد شد و خوشبختانه افرادی از طیف‌ها و سنین مختلف که کار را دیدند، از کار راضی بودند و ما سعی کردیم فضای طنز و کمیکی را بر انیمیشن قالب کنیم تا کودکانی که به تماشای آن می‌نشینند بتوانند ارتباط خوبی با آثار برقرار کنند.

عمار و راه بلند انیمیشن

متأسفانه در کشور، متولی و سازمانی در باب حمایت از محصولات انیمیشن وجود ندارد و اگر جشنواره عمار بتواند در بخش‌های مختلف اعم از پشتیبانی از تولید و حمایت در راستای دیده شدن به انیمیشن کمک کند، می‌شود گفت که آینده خوبی در این زمینه پیش روی ما خواهد بود، جشنواره عمار می‌تواند با ایجاد بخش جداگانه و اختصاص آن به انیمیشن تولیدات را هدایت و جریان سازی ویژه‌ای نسبت به این امر داشته باشد.

ظرفیت و سوژه‌های مغفول مانده

ظرفیت‌ها و سوژه‌های بسیاری در تاریخ ایران اسلامی وجود دارد که می‌تواند دستمایه انیمیشن سازان جهت تولید اثر قرار گیرد و به جرأت می‌توان گفت ۹۰ درصد از سوژه‌های ناب و طراز اول انقلابی و دفاع مقدس مورد استفاده فیلمسازان قرار نگرفته و آن‌هایی هم که قرار گرفته تا حدودی خوب از کار در نیامده است.

تولیدات در مرحله نخست باید برای قشر هدفی که تعیین می‌شود جذاب باشد و جشنواره عمار نیز بتواند در بحث محتوایی آثار ورود کند و محتوا و سوژه‌های مناسب را در اختیار انیمیشن سازها قرار دهد تا شاهد تولید آثار خوب و درخور توجه باشیم.

آینده جشنواره عمار

دیده شدن آثار توسط مردم قبل از شروع داوری‌ها اقدامی ارزنده و قابل ستایش است و اگر این امر به صورت جدی‌تر ادامه یابد جشنواره جایگاهی ویژه‌تر خواهد یافت.

ایمان یونسی ۴ سالی است که گام در عرصه انیمیشن سازی نهاده و پیش از این فعالیت‌های فرهنگی بسیاری در بخش‌های مختلف را انجام داده است.

یونسی پیش از این انیمیشن سریالی «بکرپو»، «انیمیشن لطف خدا»، «تولد یک رؤیا» و تعدادی دیگر انیمیشن و موشن گرافی در کارنامه خود دارد.

انیمیشنی از جنس پهپاد

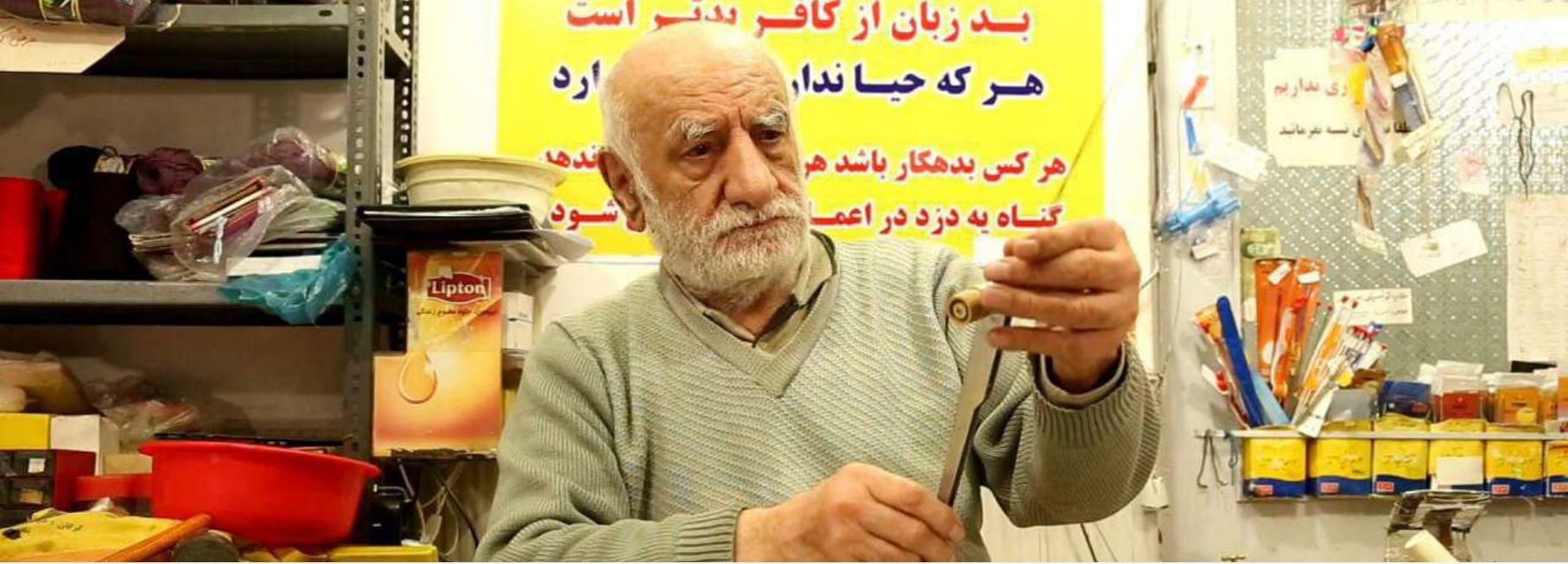
مجموعه «موشک‌های ایرانی» مجموعه‌ای ۱۰ قسمتی است که توانمندی‌های موشکی ایران و اقتدار صنعت دفاعی کشور را در قالبی داستانی و طنز به مخاطب نشان می‌دهد، این مجموعه موقعیت محور است و در هر قسمت آن اتفاقات خاصی رخ می‌دهد، به همین دلیل سعی شده تا این اتفاقات برای مخاطبان کودک قابل درک باشد و در هر قسمت از این مجموعه یکی از موشک‌های ایرانی معرفی می‌شوند و این موشک‌ها داستان‌هایی را با خود به همراه می‌آورند.

قصه «موشک ایرانی» به این صورت است که پهپادهای کشورهای مختلف جلسه‌ای می‌گذارند و می‌خواهند به خاک ایران تجاوز کنند و در نتیجه یکی از آنها قصد آمدن به خاک ایران را دارد که موشک‌های ایرانی جلوی او را می‌گیرند و در واقع در همین حین آن پهپاد و موشک به مخاطبان معرفی می‌شود. در این اثر پهپادهای ۵ کشور شامل آمریکا، آلمان، انگلیس، فرانسه و رژیم غاصب اسرائیل معرفی می‌شوند که پهپادهایی که ما برای معرفی انتخاب کردیم پهپادهایی هستند که ایران روی آسمان خود آنها را شکار کرده است و ما اشاره‌های غیر مستقیمی هم به بحث تاریخی این موضوعات داشته‌ایم اما رویکرد اصلی مجموعه ما معرفی مشخصات این پهپادها و موشک‌ها است.

ساخت مجموعه انیمیشن‌های موشک ایرانی همزمان با عملیات نیروهای سپاه و گرفتن پهپادهای دشمن انجام شد و پس از این اتفاقات، رهبری سخنرانی داشتند پیرامون این که توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران در عرصه موشکی باید گفته شود و این سخنان، ایده‌ای را در ذهن ما متبلور کرد که در قالب طنز توانمندی‌های خود را معرفی کنیم.

۶ ماه پژوهش

حدود ۶ ماه مرحله تحقیق و پژوهش به طول انجامید و تحقیقاتی پیرامون انواع مختلف پهپاد صورت گرفت و در مجموع پس از ارزیابی و تحلیل فضای حاکم بر



«سید احمد» تیزبینی مستندساز، نزدیکی به سوژه

حامد گلناری

به این دلیل که صدای ضعیفی دارد و شخص در خلوتش می‌تواند آن را بنوازد و از طرف دیگر به دلیل برخورد بی‌فاصله و بی‌واسطه انگشت او با سیم، می‌تواند احساسش را به خوبی به ساز منتقل کند. این مطلب باعث می‌شود که سه‌تار مناسب‌ترین ساز برای نزدیکی به فضای شخصی و درونی یک انسان باشد. البته این صدا در لحظات خلوت‌تر و درونی‌تر مستند به گوش می‌رسد همچون پایان مستند که مخاطب توانسته تا حدی به سیداحمد نزدیک شود. در کنار این صدای محوری و تأثیرگذار، موسیقی‌های دیگری را نیز می‌شنویم همچون صدای نی در اول کار و یا موسیقی‌های محلی که فضای بعضاً شادتری را خصوصاً در قسمت‌هایی که حکایت‌گر و جوه سرزندگی سید احمد است، به وجود می‌آورد.

این مستند تنها روایت‌گر زندگی سید احمد نیست و علاوه بر او سعی در نشان دادن همراهی همسروی نیز دارد. همسری که در طول این مدت او را تنها نگذاشته است و عصای او شده است تا سیداحمد از زمین ناتوانی بلند شود. شاید اگر او نبود سید احمد امروز این‌گونه نبود. همسر سیداحمد کسی است که در مستند راه می‌رود و تکاپوی فیزیکی دارد و نشاط و حرکت به اثر می‌دهد و در نمایی بسیار به جا در مستند می‌بینیم که اوست که حیاط خانه سیداحمد را آب می‌دهد و سرزندگی می‌بخشد. حیاطی که گویای حیات سید احمد است.

پرهیز کارگردان از مصاحبه باعث شده است مخاطب نزدیکی خود را با اثر حفظ کند و این اندیشه که «این یک فیلم است» کمتر سراغ او بیاید. منظور، مصاحبه‌ای است که در آن تصویر صحبت کردن مصاحبه‌شونده با دوربین دیده شود که این مسئله تنها در یک جا و در مورد همسر سید احمد که شخصیت فرعی مستند است اتفاق می‌افتد و در غیر آن، صدای مصاحبه‌شونده - سید احمد یا همسرش - را می‌شنویم که بر تصاویر آن‌ها به درستی سوار شده است.

هرچند که مستندساز در بعضی مواقع خصوصاً در بازسازی روابط روزمره او با همسرش نتوانسته است موفق از کار بیرون بیاید و به طبیعی بودن کار لطمه زده است اما در کل مستند «سید احمد» با توجه به مدت زمان کوتاهش قدرت همراه ساختن مخاطب با جهان یک قطع‌نخاعی پر تلاش را دارد. شخص ناتوانی که با توجه به شروع فیلم، با قدرتی که از یاد خدا گرفته است زنده می‌شود و زندگی می‌کند.

صرف داشتن سوژه خوب، موفقیت خود را حتمی می‌داند و دیگر کارگردانی که بعد از پیدا کردن سوژه‌های دندان‌گیر به سمت پیدا کردن فرم درخور آن سوژه می‌گردند.

به اتفاق در تمامی این سوژه‌ها، خود شخص و دنیای درونی او در مستند نقش محوری را ایفا می‌کند. تمامی فعالیت‌های سوژه در زندگی شخصی و اجتماعی‌اش تحت شعاع درونیات و جهان شخصی‌اش قرار می‌گیرند. چرا که جلوگیری از غلبه ضعف‌ها و خسته‌نشدن و غلبه بر افسردگی، تماماً از بنیان شخصیتی افراد ناشی می‌شود. به بیان دیگر مهم‌ترین اتفاق این مستند‌ها ماجرای است که درون سوژه به وقوع پیوسته است و یا در حال وقوع است. این‌جا هنر فیلمساز است که فیلم خود را هرچه بیشتر به جهان سوژه نزدیک کند تا بتواند حکایت‌کننده ضمیر او باشد و این نزدیک شدن هنرمندانه است که تفاوت هرچه بیشتر مستند‌ها را در این گونه، رقم می‌زند.

در مستند «سیداحمد» کارگردان تا حدی توانسته است به این دنیا نزدیک شود. مستند با صدای اذان و با بیدار شدن او شروع می‌شود و با خوابیدن او نیز پایان می‌یابد. نقطه دیدهایی که از سید احمد در سرتاسر فیلم می‌بینیم نیز در صد آن است تا مخاطب را وادار کند که جهان را از دید سوژه ببیند.

در مستند «سیداحمد» کارگردان تا حدی توانسته است به این دنیا نزدیک شود. مستند با صدای اذان و با بیدار شدن او شروع می‌شود و با خوابیدن او نیز پایان می‌یابد. نقطه دیدهایی که از سید احمد در سرتاسر فیلم می‌بینیم نیز در صد آن است تا مخاطب را وادار کند که جهان را از دید سوژه ببیند. با او چشم‌باز کند. با او وضو بگیرد و با او کار و تلاش کند تا مرز فعالیت در عین معلولیت را بفهمد.

از سوی دیگر انتخاب موسیقی سه‌تار که در طول کار به گوش می‌رسد در راستای همین نزدیک شدن است. سه‌تار در بین دیگر سازهای موسیقی سنتی بیشتر به فضای خلوت نوازنده نزدیک است. یکی

مستند «سید احمد» اثری به کارگردانی میلاد میرزاباقری است که در آن تلاش شده زندگی و تلاش روزانه سید احمد، پیرمردی که سال‌هاست قطع نخاع شده، به تصویر کشیده شود. سید احمد چهل و پنج سال پیش در حادثه‌ای آسیب می‌بیند و قطع نخاع می‌شود. او پس از آنکه بر ناامیدی ناشی از این اتفاق غلبه می‌کند، به کار و تلاش خستگی‌ناپذیر پرداخته و با پشت‌کارش برای این ناتوانی غلبه می‌کند. او اکنون به کار فروش کاموا و آموزش بافندگی و نیز تعمیر وسایل مربوط به بافت مشغول است.

خودش می‌گوید که هفتاد و هشت سالش است و از ناتوان‌ترین افراد آن شهر است. اما بی‌کار نمی‌نشیند. همت سید احمد و فعالیت‌های هرروزه او بیش از اینکه نتیجه روحیه خوبش باشد، علت روحیه‌اش است. هرکس که جای این شخصیت می‌بود با از کار افتادگی و ناتوانی، به دره افسردگی و یأس سقوط می‌کرد اما او ناامید نشد و تلاش کرد.

پرداختن به این مضمون در بین فیلم‌های مستند سال‌های اخیر بسیار گسترش پیدا کرده است. پیدا کردن افرادی که نسبت به عموم مردم جامعه ناتوان شده‌اند و در کنار این ناتوانی، از عموم مردم جامعه مفیدتر و فعال‌تر هستند. رواج این مضمون دلایل متفاوتی می‌تواند داشته باشد. اول تولید موفقیت‌آمیز مستند‌هایی از این دست و دوم نیاز و اشتیاق مردم است به دیدن چنین اشخاصی. بی‌کاری، ضعف و فرورفتن در ناتوانی‌ها و کمبودها، نوعی بیماری است که در بسیاری از اقشار جامعه ما رواج پیدا کرده و ریشه اصلی آن تنبلی و راحت‌طلبی است که ما به آن دچار شده‌ایم. برای همین با دیدن فیلمی که باعث ایجاد امید و هیجان برای کار و تلاش بیشتر در ما شود، بسیار خرسند می‌شویم و به دلیل همین پذیرش مردم، افزایش تولید این‌گونه مستند‌ها در سال‌های اخیر به چشم می‌خورد.

اما همانطور که در بالا اشاره شد در بین این‌گونه آثار، هم نمونه‌های خوب پیدا می‌شود و هم نمونه‌های ضعیف و تا حدی الکن در بیان. اما چه چیز باعث می‌شود که مستندی در این‌گونه موفق شود و دیگری ناموفق. اولین قدم برای یک مستند پیدا کردن سوژه و موضوع است. این‌گونه افراد ناتوان، خودبخود سوژه خوبی هستند و مستندساز تیزبین را به سمت خود جذب می‌کنند اما کارگردانان در برخورد با چنین سوژه‌هایی دو دسته می‌شوند. یک قسم افراد کم‌تجربه‌ای که به

ایده های متنوع، نبود امکانات و عزم جزم جوانان دزفولی

اراده های پولادین همواره راه خود را در شرایط سخت و در نبود امکانات پیدا می کنند. آنگونه که چند جوان دزفولی با وجود نداشتن کمترین امکانات فیلم سازی که دوربین است، از ساختن فیلم و پرورش ایده خود نا امید نشدند و همچنان به فکر ساختن فیلم های متنوع هستند. مهدی سخاوت نیا که به همراه دوستانش در دزفول کار فرهنگی می کنند با دو اثر در بخش "فیلم ما" هفتمین جشنواره عمار حضور پیدا کرده اند. در ادامه مصاحبه خبرنگار هفتمین جشنواره مردمی عمار را با این جوان فیلمساز می خوانید.

گروه سازنده فیلم ها

ما یک جمع سه نفره بودیم که دغدغه های فرهنگی مشترک ما را در مرکز فرهنگی وارثین دزفول گرد هم آورده است و قبل از ساخت فیلم ها نیز با هم رفاقت و با تفکرات و روحیات یکدیگر آشنایی داشتیم. این مرکز، مجموعه هایی دارد که در زمینه های مختلف مانند تاریخ شفاهی و کودکان فعالیت می کنند و هریک از این مجموعه ها می تواند با کمک موسسه در عرصه فیلم سازی نیز وارد شود و فیلم هایی که برای جشنواره عمار فرستاده شده، در بخش تاریخ شفاهی ساخته شده اند.

برای ساخت به دنبال امکانات و افرادی با تخصص های لازم بودید؟

از آنجا که به دنبال فیلمسازی حرفه ای نبودیم و هدف ما این بود که افراد هم فکر برای فعالیت در این عرصه مهارت پیدا کنند، تنها از توانایی دوستان برای فیلم سازی استفاده کردیم و امکاناتی هم نداشتیم و یک دوربین هندی کم، ریکورد و میکروفن را قرض گرفتیم و کاملاً شخصی و بدون حمایت نهادهای فرهنگی انجام شد.

سوژه ی فیلم ها چگونه انتخاب شد؟

فیلم «به رنگ زینب» مصاحبه ای با مادر «شهید شنبول» است که علاوه بر مادر شهید بودن، گنجینه ای از خاطرات دفاع مقدس است و هدف ما از ساخت فیلم، این بود که با به تصویر کشیدن منش و سلوک رفتاری این شهید عزیز بخصوص در ارتباط با پدر و مادر، الگویی واقعی و عینی را معرفی کنیم. فیلم دیگر به نام «گمنام ترین قطعه جهان» درباره قطعه ای زمین در شهیدآباد دزفول است که با وجود این که تکه های بدن شهید در آن دفن شده، مغفول و مظلوم مانده است. با توجه به اینکه در دزفول، اکثر خانواده ها جزء خانواده های شهدا هستند، پیدا کردن چنین سوژه هایی کار سختی نیست؛ سوژه ها توسط افراد مطرح می شدند و پس از مشورت، کار را شروع می کردیم، البته در «گمنام ترین قطعه جهان» وقتی ایده اولیه از طرف استاد ما «آقای موجودی» با آقای «رسول منفرد» مطرح شد، دبیرخانه جشنواره عمار پیشنهاد داد که فیلم را بسازیم.

راجع به سختی های ساخت مستند بفرمایید امکانات ما در شهرستان بسیار کم است و حتی یک

عمار و جمهوری مخاطب

حجت الاسلام مجتبی نامخواه

یک دهه پس از تأسیس نظامی مبتنی بر فاشیسم، موسولینی به این نتیجه رسید برای بسط هژمونی خود به سینما نیاز دارد؛ و این چنین بود که اولین جشنواره سینمایی در دامن فاشیسم متولد شد. از آن سال تا کنون ده ها و بلکه صدها جشنواره گوناگون در دامنه ها و زمینه های متنوعی به وجود آمده است. با این حال گویی بیشتر این جشنواره ها، حامل یک روح سرگردان فاشیستی هستند؛ تنها جای موسولینی، فاشیست های سوسیالیست و لیبرالیست دیگری نشسته است؛ در تجربه ی نزدیک به چهار سال پس از انقلاب، ما در ایران نیز کمتر به این مسئله فکر کرده ایم که برای تنزه و رهایی یک جشنواره از فاشیسم چه باید کرد؟ فاشیسم در ذات و چیستی جشنواره وجود ندارد اما جشنواره ی منزه از فاشیسم نیازمند صورت دادن کوشش ها و کنش هایی است که کمتر انجام یافته است. فاشیسم جشنواره های پساموسولینی را در دو سطح می توان دنبال کرد: در سطح روابط بیرونی، فاشیسم یک جشنواره عبارت است از خدمتی که یک جشنواره می تواند برای بسط هژمونی و اقتدار یک نظام سیاسی غیرمردمی انجام دهد. در سطح درونی اما فاشیسم جشنواره حاصل جمع نگاه استعلائی سینما به مخاطب است. اگر چه سینما بر مدار «جذاییت» می چرخد و به ظاهر مخاطب محور است اما در واقع آن چه برای سینما مهم است مخاطب به مثابه یک انسان نیست، برای سینما هر انسانی مهم نیست؛ انسانی مهم است که از دریچه ی تنگ گیشه عبور کرده باشد. این سینما نیست که بر مدار مخاطب تعریف می شود، این مخاطب است که در مدار خواست و نیاز سینما تعریف می شود؛ مخاطب همان کسی است که از گیشه عبور می کند؛ این تصویر از امکان فاشیسم سینمایی و جشنواره ای، به اقتضای اختصار، تا حدودی بزرگنمایی شده و حامل مبالغه از اغراق است اما با واقعیت تفاوتی ندارد.

یکی از مهم ترین ارزش افزوده هایی که جشنواره عمار در سطح سیاست گذاری سینمایی و فرهنگی ارائه کرده است، کوشش برای عبور از این فاشیسم جشنواره ای است. کوشش عمار برای رهایی از موسولینی منتشر شده در اشرافیت رانته و رسیدن به مرزهای ایجاد یک جمهوری مخاطب قابل تأمل است. در جشنواره عمار نه فقط کسی نیست که از گیشه عبور نمی کند بلکه «فیلم ها به دیدن مخاطب می آیند». مخاطب برای سینما هزینه می کند اما این سینما نیست که نوع این هزینه کرد را معین و در گیشه منحصر می کند. این مخاطب است که در جشنواره عمار انتخاب می کند در مسیر «اکران مردمی»، به چه میزان و چگونه هزینه کند. این هزینه می تواند شامل فراهم آوردن امکانات پذیرایی از تماشاگران در منزل شخصی باشد و یا شامل هزینه های زمانی معتنا بهی شود که اکران کنندگان بدون دریافت مابه ازاء اقتصادی صرف می کنند. این تکرر و امکان انتخاب در ساحت اقتصاد، ریشه های بنیان یک جمهوری فرهنگی را فراهم می آورد. دیگر این که مخاطب در عمار در طی مدت کوتاهی از راه های گوناگون، از جمله «فیلم ما»، یا به سطح تولید می رسد یا به موضوع روایت های عمار بدل می شود.

یافتن و برشمردن جلوه های جمهوری جشنواره ای عمار، در کنار تحلیل روح سرگردان فاشیسم در کالبد جشنواره های پسا موسولینی البته فرصت موسعی می طلبد. آن چه هست اشارتی بود به این نکته که رهایی از جوهره ی فاشیستی جشنواره ها، نیازمند کوشش و کنش هایی خلاقانه است که به نظر می رسد تا حدودی در عمار، به مثابه یک مورد متفاوت در میان جشنواره ها بروز و ظهور یافته است.

دوربین ساده هم نداریم، علاوه بر آن از نظر آموزشی نیز ضعف هایی در فیلمنامه نویسی و کارگردانی داشتیم که در حال تهیه جزوات و طراحی بانک ایده برای پرکردن این خلأ هستیم. مشکل دیگر کم تجربه بودن افراد است که با ساخت آثار بیشتر و کسب تجربه برطرف می شود و برای مصاحبه هم، مردم چندان همکاری نمی کردند که البته مشکل خاصی نبود. بحث دیگر زمانی بود که فیلم را باید در آن زمان می ساختیم که اگر این زمان بیشتر بود، کیفیت فیلم بالا می رفت.

مدیریت اختلاف دیدگاه ها در گروه

با توجه به اینکه تعداد اعضای گروه زیاد نیست، اختلاف خاصی وجود نداشت و اگر اختلاف اندکی در نظرات بود، با تعامل برطرف می شد و البته در بسیاری موارد، کارگردان نظر نهایی را تعیین می کرد و جایی برای اختلاف باقی نمی ماند؛ بعد از پایان کار نیز افراد از این همکاری احساس رضایت داشتند؛ به نحوی که با همان دوستان در حال پیگیری سوژه هایی برای کارهای بعدی هستیم.

ایده کارهای آینده

یکی از کارهایی که در حال پیگیری آن هستیم، پیرامون وضعیت زمین های کشاورزی و تبدیل این زمین ها به ساختمان است و ایده هایی برای ساخت مستند درباره شهدا و جهادسازندگی داریم و بعضی از ایده ها را به تناسب به افراد دیگر می دهیم تا در فیلم سازی مورد توجه قرار دهند. البته در کشور ما به اندازه کافی سوژه و ایده برای ساخت فیلم وجود دارد و می توانند از فرصتی که جشنواره عمار و بخش «فیلم ما» فراهم کرده است برای نشان دادن فیلم هایشان استفاده کنند. لذا می توانند منسجم تر باشند و از الگوهای ملی و ارتباط با مجموعه های فیلم ساز برای بهتر شدن کار استفاده کنند. آموزش فیلم سازی و کلاس های آکادمیک به تنهایی برای فیلم سازی کافی نیستند و برای ساختن فیلم باید فیلم ببینیم و فیلم بسازیم و همزمان کیفیت کارها را بالا ببریم. زمان را نباید از دست دهیم و یکی از مواردی که بسیار جای کار دارد، پدر و مادر شهدا هستند که باید نهضتی در این زمینه ایجاد شود و تا جایی که می توانیم به ثبت خاطرات و صحبت های این عزیزان، حتی با یک مصاحبه چند دقیقه ای بپردازیم.



۱۷

یادداشت





تاثیر بیشتر اکران در روستاها

۱- معرفی: راضیه معلم، ۳۶ سال سن دارم و مسئول ستاد خواهران نمازجمعه شهرستان داراب هستم.
 ۲- چگونه و کجا با جشنواره عمار آشنا شدید؟ چهار سال پیش، از طریق مسئول فرهنگی ستاد نمازجمعه با جشنواره مردمی فیلم عمار آشنا شدم.
 ۳- چرا تصمیم به اکران فیلم گرفتید؟ هدف جشنواره عمار را با اهداف خود در فعالیت های فرهنگی هماهنگ می دیدم.
 ۴- فیلم ها را از کجا و چه کسی می گرفتید؟ در ابتدا توسط رابطان، اما از سال های بعد فیلم ها به صورت مستقیم به دست ما در دفتر امام جمعه می رسید.
 ۵- اولین اکران کدام فیلم بود و در کجا انجام شد؟ در مدرسه و تا به امروز نزدیک ۱۰۰ فیلم اکران کرده ایم.
 ۶- به لحاظ کتی در کجا بیشتر اکران کردید؟ در مدارس.
 ۷- پس از اتمام اکران، نظرسنجی هم انجام می دادید؟ فرم هایی ویژه نظرسنجی تدارک دیده بودیم و پس از پایان نمایش در میان مخاطبان توزیع می کردیم.
 ۸- در حاشیه اکران ها برنامه ای داشتید؟ برپایی های جلسات سخنرانی با موضوعات مرتبط
 ۹- مخاطبان اکران هایتان چه کسانی بودند و پرمخاطب ترین اکرانان چند نفر مخاطب داشت؟ بیشترین مخاطبان دانش آموزان خانم بودند و پرمخاطب ترین اکران ما با حدود ۵۰۰ نفر از دانش آموزان در یکی از دبیرستان ها برگزار شد.
 ۱۰- واکنش خاص مخاطبان؟ در یکی از برنامه ها فیلمی درمورد امام زمان (عج) برای دانش آموزان نمایش دادیم، بعد از اکران دیدیم دانش آموزی در حال گریه کردن است وقتی علت را پرسیدیم جواب

داد تا امروز خیلی از امام زمان (عج) غافل بودم و از امروز تصمیم گرفتم برای رضایت او نماز بخوانم و حجاب خود را رعایت کنم.
 ۱۱- چگونه تبلیغ می کردید؟ اقدام مهم در جهت معرفی فیلم ها این بود که با آموزش و پرورش و مدارس شهرستان ارتباط برقرار کنیم.
 ۱۲- وسایل و تجهیزات اکران را از کجا می آوردید؟ همه وسایل اکران شخصی بود و حتی هزینه های رفت و آمد را از جیب خودمان پرداخت می کردیم؛ البته ویدئو پروژکتور مورد نیاز برای نمایش فیلم ها را از بسیج دانش آموزی و یا سپاه می گرفتیم.
 ۱۳- اکران را یک نفری انجام می دادید یا چند نفره؟ سال نخست، اکران را در قالب یک تیم ۳ نفره انجام می دادیم و نمایش های ما هم بسیار فشرده بود؛ حتی در مقطعی از صبح تا شب اکران فیلم داشتیم که این موضوع موجب می شد خانواده از ما بخواهند کمی استراحت کنیم اما در سال های بعد با برنامه ریزی برای اکران با مشکل دیگری روبرو نشدیم.
 ۱۴- آیا از جیب خودتان خرج کرده اید؟ برای اکران فیلم ها بنده و سایر گروه های اکران کننده فیلم در سطح شهرستان با هزینه شخصی اقدام به اکران فیلم می کردند.
 ۱۵- کدام فیلم را بیشتر اکران کردید؟ بیشترین اثر اکران شده فیلم «علمک» بود و تمامی دانش آموزان با دیدن آن می خندیدند و به شدت هیجان زده می شدند.
 ۱۶- جشنواره عمار روی شما، مخاطبانان و حزب الهی ها چه اثری گذاشته؟ اکران های مردمی فیلم عمار بیشترین تاثیر را بر اعضای گروه ما و گروه های اکران کننده فیلم داشت زیرا موجب افزایش

اتحاد و همدلی بچه ها شده است.
 ۱۷- اگر وقت بیشتری داشتید: قطعاً می توانستیم فیلم های بیشتری را در نوبت های متعددی اکران کنیم و حتی می توانستیم مکان های بیشتری را برای اکران فیلم فعال کنیم و نکته دیگر اینکه دانش آموزان واقعا نیازمند هستند تا برای آنها برنامه های فرهنگی از قبیل نمایش فیلم برگزار شود.
 ۱۸- برنامه ای برای گسترش اکران و ترغیب دیگران به اکران دارید؟ در حال برنامه ریزی هستیم تا شاهد جذب بیشتر فعالان فرهنگی در گروه های اکران کننده فیلم باشیم.
 ۱۹- آخرین باری که سینما رفتید: خانواده من اهل سینما رفتن نیستند و من هم آخرین بار سال ها پیش به سینما رفتم؛ اهل فیلم دیدن هستم اما به سینما نمی روم زیرا بسیاری از فیلم ها ارزش دیدن ندارد.
 ۲۰- مهمترین مکانی که باید در آن اکران بشود: در روستاها؛ چرا که تأثیرگذاری بیشتری نسبت به شهرها به همراه دارد و تجربیاتی که از اکران در روستا داشتیم متوجه این تأثیر شدیم
 ۲۱- فکر می کنید جشنواره عمار بیشتر باید به کدام دسته از مخاطبان توجه و رویشان سرمایه گذاری کند؟ باید از ابتدا بر روی دانش آموزان کار شود، زیرا آنها هستند که جامعه آینده ایران را تشکیل می دهند.
 ۲۲- نقش خانم ها در اکران مردمی: بانوان می توانند در تمامی محافل و مجالسی که حضور دارند فیلم های جشنواره را اکران کنند.
 ۲۳- سوژه های مغفول مانده؟ پرداختن به موضوعات دینی و مذهبی، خصوصاً بحث مهدویت و مسائل پیرامون ظهور امام زمان (عج) است.



مسجد علی بن ابیطالب (ع)
گرگان - گلستان

۱۱ دی ماه ۹۵

فیلم اکران شده: پرورش بلدرچین
۳۰ نفر بیننده

اکران در شمال کشور
گرگان - گلستان

۱۲ دی ماه ۹۵

فیلم اکران شده: من مدیر جلسه ام
۹ نفر بیننده

مسجد صاحب الزمان (عج)
خرم قباد - لورستان

۱۳ دی ماه ۹۵

فیلم اکران شده: نبرد پالمیرا
۶۰ نفر بیننده

اکران در منزل شخصی
تهران - تهران

۱۳ دی ماه ۹۵

فیلم اکران شده: نبرد پنهان / نبرد پالمیرا
۷ نفر بیننده

مسجد جامع حضرت رسول اکرم (ص)
ابولند - قزوین

۱۱ دی ماه ۹۵

فیلم اکران شده: مستند مادرانه
۱۵۰ نفر بیننده

اکران در منزل (جمع خواهران)
گرگان - گلستان

۱۲ دی ماه ۹۵

فیلم اکران شده: مستند پسرم
۴۸ نفر بیننده

اکران در امامزاده فاضل
چهرم - فارس

۱۶ آذر ماه ۹۵

فیلم اکران شده: بی خوابی / قابلمه
۲۰ نفر بیننده

اکران در روز بصیرت
اهلی - تبریز - آذربایجان

۹ دی ماه ۹۵

فیلم اکران شده: من مدیر جلسه ام
۲۵۰ نفر بیننده

حسینیه خامس آل عبا
گرگان - گلستان

۱۳ دی ماه ۹۵

فیلم اکران شده: من مدیر جلسه ام / قابلمه
۱۱۰ نفر بیننده



«تو توریست، من توریست»

امپراتوری رسانه ای دروغ

در اکثر رسانه های جهان، ایران هراسی رواج دارد. رسانه هایی که ایران را منبع عمده تروریسم می دانند اما آیا آن چه رسانه های غربی می گویند با واقعیت تطابق دارد؟

مستند «تو توریست، من توریست» روایتی از سفر چند توریست با ملیت های مختلف است که به ایران سفر کرده اند. توریست هایی که در کشورهايشان دروغ های رسانه ای مانند این که ایران حامی تروریست ها و کشوری خطرناک است را شنیده بودند اما با سفر به ایران با واقعیت دیگری مواجه می شوند. آن ها ایران را نه تنها خطرناک نمی دانند بلکه به عنوان کشوری زیبا معرفی می کنند. مستند «تو توریست من توریست» به کارگردانی علی فراشبند و در حوزه هنری انقلاب اسلامی استان فارس تولید شده است.

« نیمه شب ۲۴ آوریل »

جعبه سیاه حادثه طبس

در ۲۴ آوریل ۱۹۸۵، دولت آمریکا برای آزادی گروگان های سفارتش در ایران، عملیات پنجه عقاب را به اجرا گذاشت. عملیاتی که در نهایت، در صحرای طبس به علت طوفان شن به شکست انجامید اما این عملیات بدون عوامل نفوذی قابل اجرا نبود.

مستند «نیمه شب ۲۴ آوریل» در مورد عملیات نظامی دولت کارتر برای نجات گروگان های لانه جاسوسی آمریکا است که به دست دانشجویان خط امام به گروگان گرفته شده بودند. بعد از طوفان شن و شکست مفتضحانه آمریکایی ها و فرارشان از صحرای طبس، بنی صدر دستور می دهد که بالگرد های آمریکایی که در صحرای طبس گرفتار طوفان شده بودند را بمباران کنند. با این بمباران، اسناد زیادی از بین رفت. اسنادی که می توانست معماهای زیادی را حل کند اما با از بین رفتن اسناد، جریان های نفوذی که با آمریکایی ها همکاری می کردند محفوظ مانده و لو نرفتند. اگرچه طبق اسنادی که از لانه جاسوسی آمریکا به دست آمد، جاسوس بودن بنی صدر محرز شد، ولی عده ای مانع انتشار این اسناد شدند. جواد موگویی کارگردانی «نیمه شب ۲۴ آوریل» را برعهده داشته است.



«داشتن و نداشتن»

تنهایی پرهیا هو

چندین دهه در رسانه های جمعی و در سایه حمل و نقل عمومی شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» ترویج می شد اما آیا فرزند کمتر، تضمین کننده زندگی بهتر است؟

مستند «داشتن و نداشتن» قصه انسان های مختلفی را به تصویر کشیده و به تاثیر داشتن یا نداشتن فرزند در خانواده و اجتماع می پردازد. بعضی خانواده ها در حسرت داشتن فرزند هستند ولی بعضی خانواده های دیگر نمی خواهند فرزندی داشته باشند یا در نهایت تک فرزند هستند. یکی از خانواده ها هم، سیاست های غلط در دهه های گذشته را مانع فرزندآوری خود می دانند. نسلی که در سایه سیاست های غلط تنظیم جمعیتی، در آینده محکوم به تنهایی است.

مرجان اسماعیلی کارگردانی مستند «داشتن و نداشتن» را برعهده داشته است.



«جزیره فارسی»

وقتی شیطان زانو می زند

جزیره فارسی، مرزی ترین جزیره ایران است که فقط ۲/۵ هکتار مساحت دارد. هیچ کس در فضای مجازی از وجود آن خبر ندارد اما در روز ۲۲ دی ماه سال گذشته، اتفاقی افتاد که این جزیره، به جزیره اقتدار ایرانی معروف شد.

۲۲ دی سال گذشته، دو فروند قایق جنگی آمریکایی که حامل ۱۰ ملوان آمریکایی بود به دلیل ورود غیرقانونی به آب های سرزمینی جمهوری اسلامی ایران، توسط نیروهای یگان دریایی سپاه پاسداران در خلیج فارس بازداشت شدند. مستند «جزیره فارسی» روایت های ناگفته ای از ماجرای دستگیری تفنگداران آمریکایی در دی ماه سال ۱۳۹۴ است. این مستند به کارگردانی سید محمدعلی صدری نیا، برای اولین بار تصاویری از جزیره فارسی را برای مخاطبان به تصویر می کشد.

«در مسیر بقیع»

حلقه ای بر گردنم افکنده دوست

بعد از سقوط رژیم صدام، ایرانی‌ها که علاقه و اخلاص خاصی به اهل بیت (ع) داشتند، به بازسازی عتبات عالیات همت گماشتند. افرادی از ایران به عراق رفتند تا در ساخت و ساز حرم‌های شریف، مشارکت کنند. مستند «در مسیر بقیع» روایت اخلاص و کار شبانه روزی کارگران و مهندسان ایرانی است که در ساخت و ساز حرم‌های اهل بیت (ع) آستین بالا زده و هر چه در توان داشتند را در طبق اخلاص گذاشته‌اند. افرادی که عشق به اهل بیت (ع) آن‌ها را به عراق کشانده و از هیچ کوششی در راه این عشق دریغ نمی‌کنند. «در مسیر بقیع» به کارگردانی راضیه آقائی با همکاری معاونت فرهنگی ستاد بازسازی عتبات عالیات ساخته شده است.



«بماند برای آینده»

روایت جاودانگی

از نگاه یک مادی‌گرا، انسان با مرگ، حیاتش پایان می‌یابد و از یادها می‌رود اما شهید با شهادتش مرگ را به بازی گرفته و جاودانه می‌شود. «بماند برای آینده» بخش‌هایی از زندگی شهید محمد جعفر شکرپیور را از زبان خانواده، دوستان و هم‌زمان شهید روایت می‌کند. شهید محمد جواد شکرپیور علاوه بر فعالیت‌های انقلابی و حضور در دفاع مقدس، مسئول حزب جمهوری اسلامی فسانیز بوده است. در این فیلم، از نامه‌های شهید شکرپیور برای روایت‌گری بهتر استفاده شده است، در یکی از جملات شهید آمده است که: «شهادت سکه‌ای دو طرفه است که یک طرفش مصیبت است و طرف دیگرش فرحی غیر قابل‌تصور و پیروزی». «بماند برای آینده» به کارگردانی محسن اولیائی و تهیه‌کنندگی محمد حسن لطفی ساخته شده است.



«براده‌های آهن»

جان‌ها همه پروانه اوست

اربعین بزرگترین گردهمایی و حرکت مذهبی در جهان، همواره با بایکوت خبری رسانه‌های بزرگ دنیا مواجه بوده است، زیرا امپراطوری رسانه‌های دنیای غرب در صدد است از اسلام چهره‌ای افراطی و منفی به نمایش بگذارد. رسانه‌های دنیا از این نکته غافلند که حسین (ع) نوری است که هرگز خاموش شدنی نیست.

«براده‌های آهن» به کارگردانی علیرضا فرخزادیان، براساس نوشته‌ای از سید مهدی مدرس تحلیل‌گر سایت انگلیسی‌ها فاینکتون پست ساخته شده است. موضوع این فیلم درباره عظمت امام حسین (ع) و همایش جهانی اربعین است. همایشی که صرفاً عملی مذهبی نیست، بلکه جلوه‌ای از مقاومت و ایستادگی در برابر ظالمان است. اکثر گفتار متن‌های فیلم، وامدار نوشته‌های سید مهدی مدرس است. «گویی یک حرارت و اتصال که همه‌ی زائران را به براده‌های آهن تبدیل کرده و همگی را با هم می‌کشد و به آن چه که تنها می‌توان نام آن را مغناطیس غیر قابل مقاومت حسین نامید، نزدیک‌تر می‌کند.»

«پایی برای پرواز»

عروج در حج

در منظومه توحیدی یک مسلمان، شهادت بالاترین درجه ایمان است. جنگ تحمیلی که تمام شد، بسیاری از رزمندگان از غافله شهدا جاماندند ولی برخی دیگر بعد از گذشت سال‌ها، به این قافله پیوستند. تا شرک و کفر هست، مبارزه هم هست و تا وقتی مبارزه ادامه داشته باشد، شهادت را پایانی نیست. مستند «پایی برای پرواز» درباره داوود موسوی جانباز ۷۰ درصد است که از ناحیه هر دو پا مجروحیت داشت. شهید موسوی سال‌ها به دوستان شهیدش غبطه می‌خورد تا این که سال گذشته در موسم حج و در فاجعه منا، به خیل عظیم شهدا پیوست. تصاویر و صدای شهید داوودی در سرزمین وحی، جذابیت مضاعفی به این فیلم داده است. «پایی برای پرواز» توسط حمیدرضا ایوب میگونی و با حمایت بنیاد شهید و امور ایثارگران ساخته شده است.





او یارو می‌خواد یه فیلم ارزشی بسازه
بچه‌ها رو بفرست حالیش کنن
دنیا دست کیه

مصاحبه با فیلم‌ساز فراری

آرمین رادمند

- نه آقا، نه، کجاش طبیعیه؟ همین امسال تو جشنواره به اصطلاح فجرشون دو تا فیلمنامه داشتن که کاش در حد بیا با هم برقصیم بود.
- باز بیشتر از محدودیت‌ها بگیرد
- بله آقا، بله، بذار بگم. من از شما سوال می‌پرسم. آیا ارتباط موثر بازیگر با کارگردان رو کیفیت فیلم اثر نمی‌ذاره؟
- (سکوت)
- یقیناً می‌ذاره، مثلاً تو همین تایلند، اون قد ارتباط ماها باهم خوب بوده که یه هفته بیشتر نیومدم دومین فیلمم رو هم دارم می‌سازم.
- خب یعنی تو ایران نمی‌ذارن؟
- نه که نذارن‌هااا. خون ما رنگی نیست. آره آقا جون. ما یه بار اومدیم ارتباط بگیریم اون هم ارتباط کاری‌ها، خودتون که به فضای کار سینما مشرف هستین دیگه، عکسمون رو گذاشتن تو اینستاگرام و ممنوع‌الکارمون کردن
- چرا نموندین و برای حل این مشکلات نجنگیدین؟
- آقا راستش رو بگم؟
- بله آقا، بله
- آقا ما دیدیم که برجام نتیجه نگرفت، گفتیم اونا با اون همه دبدبه که نتونستن، ما که هیچی
بعد از این صحبت تماس به طور ناگهانی قطع شد و مکالمه‌ی ما نیمه‌کاره موند. به امید سینمایی بی محدودیت.

در پی فرار یکی از فیلم‌سازان بسیار گمنام کشور به مملکت تایلند به علت برخی از مسائل پشت پرده (پرده تئاتر نه‌ها، پرده سینما) با او در تماسی تلفنی در حالی که در حال ضبط لوکشین فیلم جدیدش به نام دریای آزاد بود، درباره‌ی محدودیت‌های سینمای ایران صحبت کردیم.
- الو، آقای { }
- بله، بفرمایین؟
- از ایران تماس می‌گیرم، از رسانه‌های اپوزیسیون هستیم!
- به به جناب رسانه‌های اپوزیسیون. در خدمت هستم آقا.
- درمورد ادعای اخیرتون درباره‌ی وجود محدودیت‌هایی در سینمای ایران می‌خواستم بیشتر بدونم.
- بله آقا، بله، محدودیت داشتیم ما.
- میشه بیشتر توضیح بدین؟
- بله آقا، بله. تو این مملکت آزادی نیست. خفقانه آقا، خفقان. بذار یه مثال بزنم روشن شی چی می‌گم. همین فیلمنامه آخرم....
- فیلمنامه چه کسی بستنی است رالیس زد؟
- نه آقا، نه، فیلمنامه بیا تا با هم برقصیم رو می‌گم. یه صحنه داشت که باید خانم و آقا با هم می‌رقصیدن. حالا اینا اومدن فیلمنامه رو بایکوت کردن آقا.
- خب این تو کشور مذهبی زده ایران طبیعیه.

در دسرهای یک مستندساز

محمدرسول نوروزی

بنام یگانه کارگردان مستند زندگی
موزوع انشا: یکی از بستگان خود را توصیف کنید
من میخواهم درباره دایی ام بنویسم. دایی سعید من، یک مستندساز می باشد. ولی
با این که تا الان چندین کار را شروع کرده است، نتوانسته است مستندی بسازد.
اولین مستندی که او قصد ساختنش را داشت یک مستند در مورد اعتیاد بود. او که می
خواست از داخل خود معتادان به این قضیه بپردازد، خودش هم معتاد شد، تا درک
بهتری از ماجرا پیدا کند. او که قصد داشت درک بیشتری پیدا کند آنقدر معتاد شد تا
پول هایش تمام شود و چون هنوز دوست داشت بیشترتر درک کند، تصمیم گرفت هر
چه دارد بفروشد و خرج مواد کند. وقتی ما او را از توی جوب پیدا کردیم، انتظار داشتیم
بهترین مستند در این مورد را ساخته باشد، او را به کمپ ترک اعتیاد بردیم، ولی وقتی
حالش خوب شد، تازه یادش آمد تنها دارایی اش دوربینش بوده است.
یکبار دیگر هم که یک اسپانسر خوب برایش پیدا شده بود و از او خواسته بود، یک
مستند از جاذبه های گردشگری ایران بسازد و آدرس بعضی از جاذبه های گردشگری
خوب را به او داده بود. اما وقتی او به این اماکن رفته بود، جاذبه ی خاصی ندیده بود
ولی با حساب این که برای اسپانسر می سازد، شروع به فیلمبرداری کرده بود، اما تا کار
خود را شروع کرده بود، او را به جرم جاسوسی گرفته بودند و او تا توانست صابت کند که
از چیزی خبر نداشته است، چند ماه را در زندان گذراند.
او در زندان، با دیدن زندانیانی درسخوان که در زندان به دنبال گرفتن دو تا دکترا بودند
یا زندانیانی که ماه ها بدون خوردن چیزی میتوانند زندگی بمانند، به فکر ساخت
مستندی از زندانیان افتاد و بعد از آزادی، تصمیم به ساخت آن گرفت. او که خیلی به
مستندسازی به روش های عادی راضی نبود، با دعوا و شکستن سریک نفر در خیابان
می خواست دوباره به زندان برود و در آنجا مستند خود را بسازد، ولی یادش رفته بود
که نمی تواند دوربین خود را به زندان ببرد. الان ما به دنبال گرفتن رضایت از شاکی او
هستیم و تا او از زندان خارج نشود، نخواهد توانست مستند بسازد.
این بود انشا من.

سینما دویتی

۵. رجائی

از گیشه و پرده خیر دیدیم آخر

از باغ هنرانار چیدیم آخر

از برکت سینما و تاریکی هاش

مانیز به عشق خود رسیدیم آخر

از بین شما کسی هم او را دیده؟

از باغچه اش کسی گلی هم چیده؟

از پس که فضای خانه اش تاریک است

انگار که سینمایمان خوابیده

باز یگر فیلم پرفروشم

صد مرتبه بهتر از گوگوشم

مانده م که روی فرش قرمز

شلوارک قهوه ای بپوشم!؟

فال حافظ!

محمد کوره پز

جز نقش تو در نظر نیامد ما را
جز کوی تو رهگذر نیامد ما را
خواب ارچه خوش آمد همه را در عهدت
حقا که به چشم در نیامد ما را

فیلمت در جشنواره عمار مقام آورده. برای اکرانش سراغ ما مسئولان آمدی ولی چون
نقش هایش نظرم را جلب نکرد، برایت گذاشتیمش در کوزه! لذا تصمیم گرفتی فیلم را
خارج از سالن های دولتی به دست مردم برسانی اما آنقدر از این دانشگاه به آن مسجد
دنبال اکران دویدی که از این رهگذر بابایت درآمد. این درس عبرتی برای تو است! چرا
که آن روز جلوی درانگار خواب بودی و به معاون رییس که داشت می آمد داخل سالن
معارفه خوش آمد نگفتی و با او عهد اخوت نبستی! حقت هم همین بود که فیلمت به
چشم ما نیاید!

تحریریه: سجاد اسلامیان، ابوالفضل رضایی، مجید مالکی، مجتبی مالکی
، محمدرضا پورصفار، محمود شم آبادی، محمدرضا طالبی آهویی،
روزبه قمصری، نوید نوروزی، ابراهیم وکیلی گندمانی
مدیر هنری: حسین شهریاری

تهیه کنندگان
جبرئیل نجفی ایواتلو
حسین اسدی زاده
کارگردان
محمدرضا حاجی غلامی
مشاور پروژه
عباس گلرسان
نور و تصویر
رامین راستجو
نویسنده
اکرم صادقی
تدوین
سعید سلمان روغنی
صداپرداز
جمال دهقان
دستیار و برنامه ریز
بهناز زحمتکش
طراح صحنه
حبیبه گلمکانی
عکاس
سعیده زارع
مدیر تولید
احسان نیک محضر
صداگذار
حمید سلمان
موسیقی
مجتبی حبیبی
مجری طرح
موسسه دینی فرهنگی مفید



سلام

بهار اسدپر
امیر حسین عزیز
پلیم خوشنم
بهناز زحمتکش
عسل منیر
مهدی تنگ